

کتاب

بدیهی است که نخستین نمایش‌هایی که به این ترتیب عرضه شدند اصلیتِ فرنگی داشتند مثل نمایشنامه‌های مولیر با اجرای مزین الدوله نقاشباشی فرنگ دیده. اما وضع همواره به همین صورت نماند و خود ایرانیان نیز کم‌کم به نمایشنامه‌نویسی روی آوردند که میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۱۹۰ش-۱۲۵۷ش) نخستین و پیشگام آنان است. آخوندزاده، که در قفقاز با نمایش اروپایی آشنا شده بود، چند نمایشنامه تحت تأثیر آثار مولیر و گوگول تألیف کرد و عملاً پی بنایی راریخت که تدریجاً، به همت استادان و هنرمندان بعد از او، برافراشته و استوار شد تا در روزگار ما به صورت هنری اصیل و صاحب منزلت درآمد.

در این میان، سهم برخی از نمایشنامه‌نویسان، به‌ویژه آنان که خود دستی در هنرپیشگی و اجرا در صحنه داشتند، بس نظرگیر است. کسانی همچون میرزا آقا تبریزی (سرگذشت اشرف‌خان حاکم عربستان، طریقه حکومت زمانخان بروجردی، حکایت عاشق شدن آقا هاشم خلخالی، ...) که عمده‌تأ تحت تأثیر آخوندزاده بوده است؛ میرزا احمدخان

خلج، منصور، نمایشنامه‌نویسان ایران (از آخوندزاده تا بیضایی)، نشر اختران، تهران ۱۳۸۱، ۲۲۳ صفحه، تصویر.

نمایش در معنای بازی سرگرم‌کننده فردی یا جمعی در ایران سابقه دراز دارد و در شکل‌های سنتی همچون شبیه‌خوانی، تعزیه، خیمه‌شب‌بازی، نقالی، پرده‌داری، تخت حوضی و مانند اینها رواج داشته است. پیشینه صورت مکتوب برخی از آنها نیز به چند قرن پیش می‌رسد؛ اما نمایش و نمایش‌نامه‌نویسی در مفهوم اروپایی آن از رهاوردهای نیمه دوم عصر قاجار به بعد و از نتایج آشنائی ایران با اروپا و رفت و آمد ایرانیان به کشورهای اروپایی است. ناصرالدین شاه هم، که اولین شهریار ایرانی علاقه‌مند به نمایش است، بر اثر سفر اروپا با نمایش و به اصطلاح «تئاتر» آشنا شد و اولین نمایش‌ها، به تشویق و با حمایت او، ابتدا به طور مخفیانه و دور از چشم عامه مردم، در تالار دارالفنون به روی صحنه آمد. شاید این که نمایش در ایران به صورت «هنر خواص» درآمد و این خصوصیت را تا کنون کمابیش حفظ کرده است نتیجه همین سابقه باشد.

شکورزاده، ابراهیم، *دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۸۰، سیزده + ۱۱۳۸ صفحه، کتابنامه، فهرست واژه‌ها.

زبان فارسی زبان شعر و مثل و لطیفه است. شاید بتوان بی‌گرافه گفت که هیچ یک از زبان‌های قدیم و جدید عالم در این زمینه به زبان فارسی نمی‌رسد. مردم، هر روز و در هر مورد، بیشتر منویات و اندیشه‌های خود را با تمسک به شعر و مثل بیان می‌کنند. از این رو، اهل علم و ادب، از دیرباز، به گردآوری امثال و اشعاری که مثل سایر گشته و وارد زبان محاوره شده‌اند همت گماشته‌اند.

شاید اولین ادیبی که به گردآوری امثال فارسی و تدوین آنها پرداخته میرزا محمد هبله‌رودی باشد که در سال ۱۰۵۱ کتابی به نام جامع التمثیل تألیف کرد. پس از او، چند تن دیگر نیز همچون محمدصادق صادقی اصفهانی (در دانشنامه شاهد)، و امیرقلی امینی (در هزار و یک سخن) مجموعه‌هایی از امثال به دست دادند تا این‌که شادروان علی‌اکبر دهخدا با امثال و حکم، در چهار جلد، صورت نسبتاً جامعی از امثال و اصطلاحات و مانند آنها عرضه کرد. اما، صرف نظر از کتاب کوچک اثر شاملو که ناتمام ماند، جای یک فرهنگ جامع حاوی امثال فارسی همچنان خالی بود تا زمانی که مرحوم دکتر ابراهیم شکورزاده (متولد ۱۳۰۳ در تربت حیدریه که دو سال پیش روی در نقاب خاک کشید) کتاب دوازده هزار مثل فارسی... را تألیف و عرضه کرد که شش هزار مثل بیشتر از امثال و حکم دارد.

دکتر شکورزاده، که سال‌ها در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد تدریس کرده، از جوانی به

کمال‌الوزاره (حاجی ریایی خان، اوستاد نوروز پینه‌دوز...؛ مؤیدالممالک فکری ارشاد (حکام قدیم و حکام جدید، عشق در پیری...؛ حسن مقدم (جعفر خان از فرنگ آمده...؛ گریگوریکیان که بیشتر ترجمه کرده است؛ ارسلان پوریا که منحصرأ به موضوع‌های تاریخی مثل تراژدی افشین، تراژدی کمبوجیه، آرش تیرانداز می‌پرداخت؛ سیدعلی نصر که تاتر نصر را در خیابان لاله‌زار راه انداخت و ده‌ها نمایشنامه عموماً کم‌دی مثل سه خواهر خجول، عروسی اجباری، طلبکار و بدهکار... نوشت؛ عبدالحسین نوشین که گرداننده تاتر فردوسی بود و نسلی از هنرپیشگان تربیت‌شده او هستند، و نام‌آوران معاصر از جمله علی نصیریان که بازیگر هم هست، غلامحسین ساعدی که روشی تازه در نمایشنامه‌نویسی پدید آورد و بیشتر از هر نویسنده ایرانی نمایشنامه نوشت، اکبر رادی که از جوانی به نمایشنامه‌نویسی روی آورد و امروزه از افتخارآفرینان این رشته هنری است، بهمن فرسی که سبکی نسبتاً نامأنوس داشت، عباس نعلبندیان که در نوشتن و رسم‌الخط هم به راه خود می‌رفت چنان که مثلاً «لطفاً» را «لطفن» می‌نوشت، و، بالأخره، بهرام بیضایی که گل سرسبد این مجموعه پربار و سازنده است.

طبعاً هنرمندان دیگر هم، نظیر صادق هدایت، میرزاده عشقی، ذبیح بهروز، رضا کمال شهرزاد، بیژن مفید، اسماعیل خلیج در «جایگاه بلند نمایشنامه‌نویسی فارسی» نقش و سهم سازنده دارند که آگاهی از آن مستلزم مطالعه کتابی است که با حوصله و دقت فراهم آمده است.

ع. روح‌بخشان

امثال فارسی و گردآوری آنها توجه یافت و، ضمن تدریس و کارهای علمی دیگر، چند کتاب به فارسی و فرانسه در این زمینه تألیف و منتشر کرد و نشان داد که در زمینه امثال فارسی پژوهشگری صاحب تجربه و صاحب نظر است.

دوازده هزار مثل فارسی... که به دقت تنظیم و تدوین شده است، با «آب آبادانی می آورد» آغاز می شود و با «یهودی که مفلس می شود توی قباله کهنه‌ها می افتد» پایان می گیرد. ارزش کار مخصوصاً در این است که، در هر مورد، یک یا چند معادل یا شاهد، که آنها هم غالباً صورت مثل دارند، در شرح هر مثل نقل شده است و هرگاه که مثل برگرفته از شعری بوده است نام شاعر و مصراع‌های پیش یا پس از آن در متن یا در زیر صفحه آمده است. همچنین صورت تحریف‌شده مصراع‌ها و ابیات نشان داده شده است.

«کتابشناسی» نه صفحه‌ای (شامل بیش از دویست عنوان مأخذ قدیم و جدید)، فهرست آثار دیگر مؤلف (هشت عنوان، از جمله عقاید و رسوم مردم خراسان، افسانه‌های عامیانه خراسان به زبان فرانسه، مواعظ و حکم سعدی با ترجمه و معادل‌های فرانسوی، فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی...)، و «فهرست واژه‌های کلیدی» (در ۴۲ صفحه) بر فواید و مزایای کتاب، که در واقع گنجینه امثال فارسی است، می‌افزاید.

ع. ر.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی اجرا شد. دستاوردهای این طرح در شورایی مرکب از مجری آن، دکتر ماندانا صدیق بهزادی، و دکتر علی محمد حق‌شناس، احمد سمیعی (گیلانی)، علی اشرف صادقی و کامران فانی، طی جلسات متعدد، بررسی و درباره مواد آن اظهار نظر شده است. مجری طرح دکتر ماندانا صدیق بهزادی و جمیله دبیری، در حوزه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، دستیار او بود.

در این اثر، ناهماهنگی‌های ضبط اعلام (نام‌های اشخاص، اسامی جغرافیایی و تاریخی) در زبان فارسی و در متون و نیز مدخل‌های ابزارهای کتاب‌شناسی نشان داده شده و، برای کاهش تشتت در ضبط اعلام، معیارهایی برای انتخاب الگوی مناسب و دستورالعمل‌هایی پیش‌نهاد شده است. مؤلف، در مقدمه، برخی مشکلات موجود در ضبط اعلام اشخاص در منابع را به شرح زیر برمی‌شمارد:

۱) ملاک‌گزینش صورتی از صور نام اشخاص مشخص نشده است؛ مثلاً در مورد گونه‌های متعدد ابوعلی سینا، بوعلی سینا، شیخ‌الرئیس و پورسینا.  
۲) نام‌ها و القاب و عناوین متعدد جستجو را مختل می‌کند. مثلاً معلوم نیست که برای غیاث‌الدین ابوالفتح داود بن محمد سلجوقی یا ابومنصور محمد بن احمد دقیقی بلخی به کدام بخش مدخل باید رجوع کرد.

۳) ترتیب و توالی ضبط کنیه و لقب بعد از نام شهر متفاوت است؛ مانند فرالوی، محمد بن موسی و فرالوی، ابو عبدالله محمد بن موسی.

۴) ضبط نام‌های یونانی و رومی گاه به شکل رایج اسلامی و گاه به صورت ملفوظ در زبان مبدأ

صدیق بهزادی، ماندانا، با همکاری کبری سلسله‌سبزی، شیوه‌نامه ضبط اعلام، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۱، ۲۹۱ صفحه. شیوه‌نامه ضبط اعلام حاصل طرحی است که در

وحدت (پرهیز از پراکندگی مدخل‌ها و اختیار صورت واحد)، و ویژگی (انتخاب مدخل به صورت خاص، مستقیم و بی‌واسطه) را در انتخاب مدخل‌ها مد نظر دارد.

وی، دربارهٔ پیشنهاد ضبط نام‌های خاص، نتایج حاصل از بررسی مراجعی چون دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب، دانشنامهٔ جهان اسلام، شیوه‌نامهٔ ضبط اعلام انگلیسی در فارسی، فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان و شماری دیگر از نظایر آنها را ارائه داده و ضعف‌ها و کمبودهای آنها را نشان داده است.

در تدوین شیوه‌نامهٔ ضبط اعلام برای هر یک از مجموعه‌ها - اعلام اشخاص (عرب، ایرانی، ترک، تاجیک، هندی، یونانی و رومی)؛ اعلام تاریخی (خاندان‌ها، سلسله‌ها، اقوام و طوایف، فرق و مکاتب و طریق، و رویدادهای تاریخی)؛ اعلام جغرافیائی (تقسیمات کشوری، عوارض طبیعی، مستحدثات و نهادهای اجتماعی) - باب جداگانه‌ای گشوده شده است.

در تدوین قواعد، استانداردهای بین‌المللی رایج در ضبط اعلام و در مجموع‌گرایش‌های غالب با پذیرش موارد استثنا رعایت و برای گردآوری داده‌ها از منابع معتبر فارسی، ترکی و عربی استفاده شده است.

ثریا پناهی

عبداللهی، منیژه، فرهنگ‌نامهٔ جانوران در ادب پارسی، انتشارات پژوهنده، تهران ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۲۰۴ صفحه.

این مجموعهٔ دو جلدی با مقدمه‌ای آغاز شده است

اختیار شده است؛ مانند بطلموس و پتولمی.

در اعلام جغرافیایی نیز مسائل زیر مطرح است: (۱) ملاک انتخاب مدخل بین دو صورت جدید و قدیم آن مشخص نبوده است. مثلاً ضبط نام شهرها و کشورهای که پیش‌تر نام اسلامی داشته و سپس تغییر نام داده‌اند به دو صورت قدیم و جدید اختیار شده است؛ مانند قرطبه / کوردوا، غرناطه / گرانا یا گرانا.

(۲) اعلام جغرافیایی دو یا سه جزئی که جزئی از آنها اسم جنس چون کوه، رود یا دریاست، به چند صورت مدخل شده‌اند؛ مانند سیراف، بندر / بندر سیراف.

(۳) ضبط اعلام جغرافیائی ترکی و عربی دخیل در فارسی نیز مشتت است.

دربارهٔ اعلام تاریخی مشکلات زیر دیده شده است:

(۱) کاربرد انواع علامت‌های جمع (فارسی و عربی)؛ مانند بهمنیان / بهمنی‌ها، رقابات، مرابطین، شهابیون.

(۲) برخی از اعلام تاریخی به صورت جمع فارسی و عربی مدخل شده‌اند؛ مانند سلاجقه / سلجوقیان؛ قرامطه / قرامطیان.

(۳) دربارهٔ مداخل خاندان‌های حاکم از وندهای گوناگون (پسوندها، پیشوندهای آل، ابن، ابی و بنی) استفاده شده است؛ مانند آل عامر / بنی عامر / ابی عامر.

(۴) در عنوان وقایع تاریخی نیز ناهماهنگی توالی اسم جنس وجود دارد؛ مانند اعلامیهٔ لندن / لندن، اعلامیه.

مؤلف پس از بیان مشکلات موجود در شیوهٔ ضبط اعلام به مدخل‌های کتاب‌شناختی می‌پردازد. وی رعایت اصول ضروری نظیر نیازمراجعه‌کننده،

که حاوی اطلاعات مختصر در باب تاریخچه دایرةالمعارف‌نویسی، دایرةالمعارف در جهان اسلام، دایرةالمعارف و فرهنگ‌های فارسی، دایرةالمعارف‌های ایرانی، مجموعه‌های ویژه جانوران و عجایب‌نامه‌هاست. مؤلف، در بخش پایانی مقدمه، قسمتی را به توضیح شیوه تدوین این مجموعه و روش تحقیق و تدوین هر مقاله اختصاص داده است. جانورانی که در این مجموعه مدخل شده است به شرح زیر است:

در جلد اول (آ-ش) - آهو، اسب، استر، باز، ببر، بز، بلبل، بلدرچین، بوزینه، پرستو، پشه، پلنگ، تذرو، تز (صعوه)، تیهو، جغد، چرغ-چرخ، چرز، چکاوک، حواصل، خر، خرس، خرگوش، خروس، خفاش، خوک، ذُراج، رَنگ، رویاه، زنبور، سگ، سمور، شاهین، شتر، شترمرغ، شغال، شیر.

در جلد دوم (ط-ی) - طاووس، طوطی، عقاب، عنکبوت، غُرم، غلیواژ، فاخته، فیل، قفا، قمری، کبک، کبوتر، کرکس، کرم، کژدم، کلاغ، کلنگ، گاو، گراز، گربه، گرگ، گنجشک، گور، گوزن، گوسفند، مار، ماهی، مرغابی، ملخ، مور، موش، میش، نهنگ، وَرشان، وزغ، هدهد، یوز.

شرح هر مدخل در پنج بخش زیر آمده است: متن‌های قبل از اسلام؛ معارف و متون اسلامی؛ قصص و داستان‌ها؛ زیبایی‌شناسی و آرایه‌های ادبی؛ جلوه‌های گوناگون خارج از مباحث چهارگانه مذکور شامل خواص پزشکی و دارویی، خواب و رؤیا، ستاره‌شناسی، زیست‌گاه.

هر بخش خود به تقسیمات فرعی تری منقسم است. مثلاً، در بخش اول، ریشه واژگانی، نوشتارهای اوستایی، نوشتارهای پهلوی درج شده است.

مؤلف، با این بخش‌بندی‌ها، خود را مختار دانسته است که در موارد ضروری به بحث و تحلیل و توضیح مطلب بپردازد و مقید به رعایت ایجاز و اختصار معمول فرهنگ‌ها نباشد.

متون زیر از جمله منابع نویسنده در تدوین مقاله‌ها بوده است: تعلیقات و یادداشت‌هایی بر اوستا، از جلیل دوستخواه؛ پژوهشی در اساطیر ایران؛ مجموعه مقالات ماهیار نوایی؛ اساطیر و فرهنگ ایران؛ فرهنگ ایران باستان؛ زادش‌نامه؛ زند و هومن یسن؛ کارنامه اردشیر بابکان؛ متون تفسیری فارسی تألیف‌شده تا قرن پنجم هجری؛ نهج‌البلاغه صبحی صالح؛ لمعه در فقه؛ کیمیای سعادت؛ سواد الاعظم؛ حیوة الحیوان؛ نزهت‌نامه؛ نفایس الفنون؛ کشف‌المحجوب؛ رساله قشیریه؛ تاریخ بلعمی؛ مجمل‌التواریخ؛ شاهنامه و دیوان‌های بسیاری از شعرا.

منابع ارجاعی در پانوشته هر صفحه آمده است.

سهیلا غضنفری

رساله بیان بدیع، میرزا ابوطالب فندرسکی، به‌کوشش مریم روضاتیان، دفتر تبلیغات اسلامی، اصفهان ۱۳۸۱، ۲۲۴ (۲۴+۱۹۲+۸) صفحه.

مؤلف این رساله، میرابوطالب فندرسکی، در قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری می‌زیسته و فرزند جلال‌الدین میرزابیگ، نواده یا خواهرزاده میرفندرسکی بزرگ و شاگرد محمدباقر مجلسی، محمدباقر محقق سبزواری و آقاحسین خوانساری بوده است. میرابوطالب صاحب تألیفات متعددی

ترجمه‌گونه‌ای است از بخش بیان و بدیع مطول (شرح تلخیص خطیب قزوینی) اثر سعدالدین تفتازانی. این رساله به نام شاه سلیمان صفوی مصدر شده است. به نوشته مصحح، ترجمه ابوطالب ترجمه‌ای است آزاد-گاه عینی و جزء به جزء و گاه با تصرف- و حذف و اضافات مترجم چندان است که آن را می‌توان اثری مستقل به‌شمار آورد.

متن رساله با مقدمه مؤلف در حمد خداوند، نعت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، مدح شاه سلیمان صفوی، ذکر ابواب کتاب، و تعریف علم بیان و بدیع آغاز شده و سپس مقاله اولی (در سه فصلی تشبیه، استعاره، کنایه) به علم بیان، و مقاله ثانیه (در دو قسم محسنات معنوی، محسنات لفظیه) به فن بدیع اختصاص یافته است. مؤلف، در فصلی مشبع، تقسیمات جالبی از اجزای تشبیه و اغراض آن آورده و سپس از هجده قسم تشبیه، سیزده قسم استعاره، و سه قسم کنایه (هر یک در چند قسم فرعی) و، در ضمن محسنات کلام، از سی و هشت قسم صنعت معنوی و هجده قسم صنعت لفظی (برخی در چند قسم فرعی) یاد کرده و فصلی مشبع در انواع جناس آورده و، در خاتمه کتاب، به مبحث سرفات شعری و اقسام آن و ذکر بعضی اصطلاحات پرداخته است.

نثر کتاب ساده، روان، و، به نوشته مصحح، تا حدودی متأثر از زبان عربی است که با شواهدی منظوم و منثور به فارسی و عربی همراه است. بیشتر این شواهد از مطول و سروده‌های مؤلف و معاصران او انتخاب شده است.

در تصحیح از سه نسخه خطی به شرح زیر

در علوم دینی، ادبی و ریاضی است. در مقدمه مصحح، به جز این رساله، از شانزده اثر دیگر او یاد شده است، از جمله رساله مجمع البحرین (به فارسی، در عروض و قافیه)، نگارخانه چین، ساقی‌نامه، غزوات حیدری، تحفة العالم، منشآت. همچنین مؤلف، در ضمن رساله بیان، از چند اثر دیگر خود یاد کرده که در مقدمه مصحح به آنها اشاره نشده است، از جمله نوادر الجواهر، بهارستان خیال، تقویم که ظاهراً جزئی از نام کتاب است، شرح عوامل، صیدگاه، بهارستان اقبال، و هفت کوکب، که سه مورد اخیر محتمل است عناوین برخی از منشآت وی باشد.

این کتاب با ابیاتی از میر ابوطالب (در مناجات) و مقدمه مصحح (در معرفی رساله و شواهد، سبک نگارش، نسخه‌های خطی، و روش تصحیح آن) آغاز شده و، پس از متن رساله، فهرست عام اعلام و فهرست منابع این تحقیق آمده است.

در متن هر سه نسخه خطی مورد استفاده مصحح، نام این رساله بیان ضبط و فقط، در نسخه اساس، کلمه بدیع در بالای سطر افزوده شده است. در این تصحیح، نام کتاب، در ضمن مقدمه مؤلف، به صورت بیان [و] بدیع و، در مقدمه مصحح و روی جلد، به صورت رساله بیان بدیع آمده است. البته علم بیان و بدیع هر دو موضوع این رساله است؛ اما، از آنجا که علمای بلاغت فن بدیع را تابع علم بیان دانسته‌اند، ممکن است افزودن کلمه «بدیع» به نام این رساله- خاصه به صورت رساله بیان بدیع- اصالت نداشته باشد.

رساله بیان میر ابوطالب، که در یک مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه تبویب شده، به تصریح مؤلف،

استفاده شده است (۱) نسخه کتابخانه ملی ملک، شکسته نستعلیق، مورخ ۱۰۹۹، قدیم‌تر و کامل‌تر از دو نسخه دیگر (نسخه اساس)؛ (۲) نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نستعلیق، مورخ ۱۱۱۳؛ (۳) نسخه کتابخانه آیت‌الله روضاتی (اصفهان)، نسخ، بی‌تاریخ، دارای افتادگی از آخر. در تصحیح شواهد عربی نیز، از مطول و جامع الشواهد بهره‌جویی شده است. در پایان مقدمه، تصویر نمونه‌ای از صفحات نسخ خطی، و تصویر اجازه‌نامه دستخط علامه محمدباقر مجلسی مورخ ۲۴ ربیع الاول ۱۱۰۲ برای میرابوطالب و با ستایش بلیغ از او درج شده است. برخی از اشتباهات کتاب - که بیشتر آنها ظاهراً چاپی است - به این شرح است: بیع (ص ۱۳، سطر ماقبل آخر) به جای بدیع، بخ (ص ۱۴، سطر آخر) به جای بخش، جمله‌بدنی (ص ۱۵، سطر ۱۳) به جای جمله‌بندی، غریبه (ص ۲۵، سطر دوم پانوش) به جای غریبه، لالهال (ص ۴۳، سطر ۵) به جای للالهال، خلل وزن و معنی در بیت ظهیر تفرشی (ص ۴۷، سطر ۶)، چو شرر (ص ۵۶، سطر ۳) به جای چون شرر، کو (ص ۷۷، سطر ۵ و ۶) به جای گو، سرور (ص ۸۵، سطر ۷) به جای سرود، پاسر (ص ۱۰۰، سطر ۱) به جای پاوسر، المرّحل (ص ۱۰۱، سطر ماقبل آخر) به جای المرّحل، یک (ص ۱۰۵، سطر ۱۱، دو بار) به جای یکی، خلل وزن یک مصراع (ص ۱۰۸، سطر ۴)، شعر گوید (ص ۱۱۰، سطر ۱) به جای شاعر گوید، تویه (ص ۱۴۳، سطر ۲) به جای توبه، چین (ص ۱۶۲، سطر ۶) به جای چینین، صائب (ص ۱۶۶، سطر ۷) به جای صاحب، وتیره (ص ۱۶۶، سطر ۱۰) به جای وتیره،

تعدیل (ص ۱۶۸، سطر آخر) مصحف تعدید، شباقه‌الاعداد (ص ۱۶۸، سطر آخر) مصحف سیاقه‌الاعداد، خطیه (ص ۱۷۴، سطر ۱؛ ص ۱۸۵، سطر ۱۲ و ۱۳؛ ص ۲۱۹، سطر ۱۶) مصحف خطیه، برون رفتن (ص ۱۷۷، سطر ۱۱) به جای برون رفتی، خلل وزن در یک مصراع (ص ۱۹۷، سطر ۱۴)، آیان‌تر (ص ۲۰۱، سطر ۳)؛ تاج کیکاوس (ص ۲۰۷، سطر ۸) به جای تاج کاووس. همچنین املاهای که از (ص ۵۳، سطر ۱۰؛ ص ۵۶، سطر آخر؛ ص ۱۷۷، سطر ۱۱) به جای کاز یا کز، معویه (ص ۷۹، و چندین جای دیگر) به جای معاویه، که‌ای (ص ۱۴۴، سطر ۵) به جای کای. در فهرست عمومی اعلام، نقایصی به شرح زیر دیده می‌شود.

- بسیاری از اعلام، از جمله رستم (ص ۵۵)، حاتم (ص ۵۵)، نوشیروان (ص ۵۵)، ابن‌سینا (ص ۱۲۵)، (۱۳۱)، ابوالفتح بستنی (ص ۱۲۸)، اردوان (ص ۱۲۹)، ارسطو (ص ۱۳۱)، افلاطون (ص ۱۳۱)، صمّ‌بن عبدالله (ص ۱۴۲)، ابوتّمّام (ص ۱۴۲)، میرزا محمد شیروانی (ص ۱۴۹، ۱۵۰)، معتصم بالله (ص ۱۵۳)، بشّار (ص ۱۷۶)، قرآن مجید (ص ۱۸۹) و چندین جای دیگر، حافظ (ص ۱۹۰)، یعقوب (ص ۱۹۶)، یوسف (ص ۱۹۶)، ایوب (ص ۱۹۶)، سلطان جلال‌الدین (ص ۲۰۲)، نیامده است؛ - امرئ القیس و مثنوی نگارخانه چین دو بار آمده است؛ - در ذیل مطول شماره صفحات مربوط به متن و پانوشت خلط شده است؛ - ذکر طرفه (ص ۳۷)، عزّت (ص ۱۲۳)، مغاربه (ص ۱۹۴) و جهی ندارد. - ضبط بعضی اعلام مانند «هفت کوب»

محلّه؛ بخش سوم («ذکر شعرای کازرون»)، شامل شرح حال و نمونه شعر ۲۳ تن از شاعران کازرونی؛ بخش چهارم («ذکر قرای کازرون»); بخش پنجم («حالات شیراز»)، شامل خصوصیات جغرافیایی، دروازه‌ها و محلات شیراز، و ذکر علما، بزرگان و سلسله‌های مشهور هر محلّه است.

آثار الرضادر همان سال تألیف به طریقه سنگی به چاپ رسیده و منبع اصلی صدرالسّادات در تألیف این کتاب فارس‌نامه ناصری بوده است. مصحّحین این متن را بر اساس چاپ سنگی مذکور آماده کرده‌اند و اشتباهاتی هم در آن دیده می‌شود که ممکن است از چاپ قبل به آن راه یافته باشد. این چاپ با پیش‌گفتار مصحّحین دربارهٔ خاندان، ممدوحان، املاک و تألیفات صدرالسّادات و رابطهٔ او با شاعری و مشروطیت، و نیز منابع، خصوصیات نشر (ویژگی‌های املائی، صرفی و نحوی) و موضوعات آثار الرضا آغاز شده و پس از متن، تعلیقات (شامل توضیحاتی دربارهٔ برخی اعلام، آیات، احادیث و اشعار)، نمایه‌ها (شامل نمایهٔ واژه‌ها، نام‌ها و جای‌ها) و کتاب‌نامه (شامل ۱۳۲ کتاب و ۱۳ مقاله) آمده است.

م. ذ.

برهان‌المرتاَضین، شیخ علی بن محمد مشهور به شیخ علی نقی اصطهباناتی، تحقیق و تصحیح محمد هرتمنی، مقدمهٔ سید احسان‌الله عظیمی، نشر مقیم، اصفهان ۱۳۸۲، ۲۱۴ صفحه.

برهان‌المرتاَضین اثری است عرفانی به زبان فارسی که نویسنده آن را، در عهد صفویّه، در دفاع از عارفان و صوفیان و حمایت از اندیشه‌ها و

«محمّد(ص)»، «بدخشان»، «نگارخانهٔ چین»، «جامی»، در موضع نادرست الفبایی آمده است به صورت «انشای موسوم به هفت کوب»، «حضرت رسول است صلی الله علیه و آله»، «کوه بدخشان»، «مثنوی نگارخانهٔ چین»، «ملا جامی».

جای فهرست‌های مفیدی شامل اصطلاحات، اشعار، آیات و احادیث نیز خالی است.

محسن ذاکرالحسینی

آثار الرضا (در تاریخ و جغرافیای کازرون و شیراز)، صدرالسّادات سلامی کازرونی، به کوشش زهرا خوش‌بویی - موسی مطهری‌زاده، نشر کازرونیّه (مجموعه آثار فارسی پژوهی ۲)، تهران ۱۳۸۱، ۳۰+۱۱۲+۸۲ صفحه.

آثار الرضا اثری است منشور از سید محمدرضا حسینی حسینی سلامی کازرونی (۱۲۷۷-۱۳۵۴ق)، شاعر و نویسندهٔ عصر قاجار، ملقب به «صدرالسّادات» و متخلّص به «رضا»، که نویسنده آن را در سال ۱۳۲۷ق تألیف و به نام محمّدعلی‌شاه مصدر کرده است.

مؤلف، پس از مقدمه‌ای کوتاه در ذکر وجه تسمیه و سبب تألیف، متن کتاب را به پنج بخش اصلی تقسیم کرده است: بخش اول، در بیست فصل، شامل شجره‌نامهٔ مؤلف که به امام صادق (علیه السلام) منتهی می‌شود. شرح حال هریک از آباء و اجداد مؤلف در یک فصل آمده و فصل بیستم به احوال مؤلف اختصاص یافته و مبلغی از اشعار وی در آن جای داده شده است. بخش دوم («فی حالات کازرون»)، شامل خصوصیات جغرافیایی، محلات و ذکر علما، بزرگان و سلسله‌های مهم هر



آموزه‌های عرفانی نگاشته است.

این رساله مشتمل است بر دیباچه‌ای مختصر، مقدمه‌ای مفصل، پنج فصل و یک خاتمه. مقدمه به تعریف و ذکر منشأ تصوّف و برخی از صفات صوفیان اختصاص یافته است. نویسنده کوشیده است که در تأیید آراء خود به آیات قرآن و احادیث و روایات معصومین علیهم السّلام استشهد کند. وی، به استناد احادیث قایل است به وجود جماعتی مخصوص به حمل و حفظ اسرار ائمه علیهم السّلام که بسیار کم‌اند، اما قدر ایشان بزرگ است و شأن ایشان عظیم. این جماعت همان عارفان حقیقی هستند. مؤلف، مانند سید حیدر آملی، شیعیان راستین - شیعیان ممتحن حامل اسرار ائمه - را عارفان حقیقی دانسته است. وی، اصحاب صُفّه و شیوه سلوک عملی آنان را سرمنشأ سلوک صوفیانه و واژه صوفی را مشتق از «صُفّه» دانسته و تصوّف را بر مبنای احادیث معصومین علیهم السّلام تعریف کرده و کوشیده است تا صوفیان را مصادیق راستین اولیای الهی معرفی کند که در روایات به آنان اشاره شده است.

در فصل اوّل، با طرح بحثی روایی-فقهی، به تحلیل و تجویز صوت حسن و تمییز آن از غنا و موسیقی حرام پرداخته است. به بیان او، غنا و شعر مذموم در شرع کلامی است که از روی لهو و لعب بخوانند یا سخن لغوی است که هیچ فایده‌ای از برای گوینده یا شنونده در آخرت ندهد یا قصّه‌های دروغ یا مدح کسی که از برای اعتبار و جاه دنیا و یا مذمت مؤمنی باشد. حسن و قبح آن به نیت و قصد گوینده و شنونده - خیر یا شرّ - برمی‌گردد. فصل دوم به ذکر و انواع آن اختصاص یافته و، در فصل سوم، برخی از اصطلاحات و الفاظ

تصوّف شرح شده است.

عنوان فصل چهارم «در ذکر استناد صوفیّه به ائمه معصومین - علیهم السّلام» است. در فصل پنجم، از استناد سلسله ذهبیّه به امام رضا علیه السّلام یاد و نام بزرگان این سلسله ذکر شده است. خاتمه کتاب، حاوی ذکر علمایی است که مشرب تصوّف و عرفان داشته‌اند.

از برهان المرتاضین چهار نسخه در دست است: دو نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره‌های ۱۶۴۲۷ و ۲۴۷۵۷؛ نسخه‌ای به شماره ۲۸۷ در کتابخانه مسجد اعظم قم؛ و نسخه‌ای در کتابخانه مدرسه چهل ستون مسجد جامع تهران به شماره ۱۹۷. تصحیح بر مبنای سه نسخه نخست انجام گرفته و به همراه مقدمه احسان الله عظیمی و فهرست‌های منابع، آیات و احادیث و اسامی اشخاص به چاپ رسیده است.

محمدجواد شمس

*پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار)*، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان، جلد یازدهم (در بر گیرنده چهل مقاله)، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران ۱۳۷۸، ۷۰۶ صفحه.

پژوهش‌های ایران‌شناسی نام مجلد یازدهم و در اصل شماره هفتاد و یکم از مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی است. پس از انتشار مجموعه ده جلدی نامواره دکتر محمود افشار اینک دوره جدید این مجموعه با عنوان پژوهش‌های ایران‌شناسی، که دنباله نامواره است، چاپ و منتشر می‌شود.

همایون» (حسن ذوالفقاری)؛ «القاب اعیان شیراز در سنوات واپسین دوره قاجاری» (احمد شعبانی)؛ «موسیقی و سماع در غزلیات شمس تبریزی (پرویز البرز)؛ «آثار منسوب به آزاد بلگرامی» (سیدحسن عباس، از هندوستان)؛ «شکسپیر و ایران» (محمدکریم اشراق، از هلند)؛ «کتیبه پهلوی کازرون» (حسن حاتمی)؛ «واژه‌های فارسی در ترکی آذربایجانی» (ضیاءالدین صدرزاده)؛ «چند لغزش در پهلوی خوانی» (چراغعلی اعظمی سنگسری)؛ «جاجرونامه» (محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، ایرج افشار)؛ «نزع استبداد و واپسین تشنجات آن» (بخشی از رساله جمال‌زاده در احوال پدرش، سید جمال‌الدین اصفهانی، به کوشش سید علی آل‌داود)؛ «واژه‌نامه گویش دامغانی» (حسن ذوالفقاری)؛ «ایران‌شناسی در نُمسه» (ایرج افشار)؛ «گویش اردستانی» (محمود مولوی و مرتضی شفیعی اردستانی).

پیوست جلد یازدهم، مجلد دوم مخزن‌الوقایع (شرح مأموریت و مسافرت فرخ‌خان امین‌الدوله) تألیف حسین بن عبدالله سرابی است که به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله سروش زعفرانلو فراهم آمده است.

ث. پ.

تحفه عباسی، شیخ محمدعلی مؤذن خراسانی، نشر انس تک، تهران ۱۳۸۱، ۵۵۶ صفحه.

تحفه عباسی از متون روائی ادبی-عرفانی است که، در اواسط دوره صفویه، به قلم عارف پراوازه آن عصر، شیخ محمدعلی مؤذن خراسانی، نگارش یافته است. تسلط عمیق نویسنده بر متون عرفانی

ایرج افشار، در مقدمه، دلیل نام‌گذاری جدید را اهمیت و اعتبار جایگاه مطالعات و پژوهش‌های ایران‌شناسی ذکر کرده و بر آن است که این‌گونه عناوین کار جستجو و دستیابی به مواد دلخواه علاقه‌مندان را آسان می‌سازد. وی مقصود از چاپ این مجموعه را اجرای نیت واقف-بررسی مقام سرزمین تاریخی ایران و مخصوصاً جغرافیای تاریخی آن- نشان داده و اظهار داشته است که قصد دارد نتایج پژوهش‌هایی درباره هر یک از دوره‌های تاریخی ایران پیش از اسلام و دوره اسلامی را در قالب مقاله‌هایی به چاپ برساند. مقاله‌هایی که در مجموعه پژوهش ایران‌شناسی درج شده مستند است به منابع و مآخذ معتبر و روشی که پژوهشگران در تحقیق اختیار کرده‌اند روشی علمی است. اهم حوزه‌های پژوهشی در مقاله‌های جلد یازدهم به این شرح است:

- قلمرو زبان فارسی شامل مقاله‌های ادبی و زبان‌شناسی نوشته محققان و ادبای افغانستان، تاجیکستان و شبه‌قاره؛

- جستارهای پژوهشی شامل مقاله‌هایی درباره تاریخ و جغرافیای تاریخی ایران؛

- گنجینه گذشته شامل متون کوتاه فارسی و اسناد و نوشته‌هایی از پیشینیان.

جلد یازدهم این مجموعه بدون فهرست مندرجات با مقاله «گفتار غزالی در بارگاه سنجر سلجوقی» تألیف ابومحفوظ‌الکریم معصومی از کلکته هندوستان آغاز می‌شود. از جمله مقالات دیگر این مجموعه است: «سال عالم پارسیان» (ترجمه فارسی همایون صنعتی‌زاده) که ظاهراً دو روایت ناقص از فصلی درباره سال عالم اثر ابومعشر بلخی، منجم قرن نهم هجری است؛ «مثنوی سعد و

مهم‌ترین مباحث ابواب دوازده‌گانه علم، زهد، صُمت (سکوت، خاموشی)، جوع و سَهَر (شب‌زنده‌داری)، عزلت، ذکر، توکل، رضا و تسلیم، موسیقی و شعر، وجد و عَشِیَّت، شرایط مریدی، و شرایط مرادی است.

در این ابواب، نکته‌های پُر معنی بسیاری آمده از جمله عالم حقیقی و متألّه عارفی دانسته شده است که از روی ریا و سُمعه جویای علم نباشد و زاهد حقیقی کسی است که طمع ثواب بهشت و نجات از عقوبت دوزخ نداشته باشد. برای زهد نیز سه وجه مقرر شده است: زهد عوام که ترک حرام است؛ زهد خواصّ که ترک حرام و فضول (=زیادتی) از حلال است؛ زهد خاصّ الخاصّ که پرهیز کردن از ماسوی الله است.

تسلیم مرتبه‌ای بالاتر و برتر از مرتبه توکلی و رضا شمرده شده است؛ چون سالک، در توکلی و رضا، هنوز تعلق خاطری دارد و به مصلحت خویش می‌اندیشد و، در مرتبه تسلیم، تعلق خاطری ندارد و متعلق خود را متعلق خداوند می‌داند.

یکی از مباحث مهم این کتاب موسیقی و شعر است. به بیان شیخ مؤذّن،

«حقیقتِ حُسن و جمال مناسبت است و هرچه متناسب باشد نمونه‌ای است از آن عالم. پس آوازِ خوشِ موزونِ متناسب نیز نشانه‌ای است از آن جهان» و سبب میل انسان به موسیقی «مناسبتی است که حقیقت آدمی را هست با عالم قدس که جهانِ حُسن و جمال است». (ص ۳۵۵)

نویسنده، در خاتمه، با عنوان «در بیان اقاویل صوفیه در هر باب»، مباحث مهمی چون حقیقت محمدیه، عوالم و حضرات تجلی و ظهور، عالم

و روایی، نثر پخته و استوار و در عین حال ساده و روان او، آن را در زمره آثار پرارزش زبان فارسی جای داده است.

این اثر شامل دیباچه، مقدمه‌ای مفصل در پنج فصل، دوازده باب و یک خاتمه است. دیباچه با نثری مسجّع و موزون آغاز شده و مؤلف، پس از تحمید باری تعالی و نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام سبب تألیف آن را بیان کرده است.

مقدمه مشتمل است بر پنج فصل در معنی تصوّف و صوفی، وجه تسمیه صوفی و علامات صوفیان، اعتقادات صوفیان درباره توحید، نبوت و امامت و معاد، و استناد صوفیان به ائمه اطهار علیهم السلام.

مؤلف شریعت را لفظ عامی دانسته که بر حقیقتی واحد و ذومراتب اطلاق می‌شود و، به اعتبار هر مرتبه، نام‌ها و عناوین متفاوتی مانند طریقت، حقیقت و تصوّف می‌یابد. ظاهر آن حقیقت مجازاً شریعت خوانده می‌شود که از قبیل اطلاق لفظ عام بر خاصّ است.

مؤذّن، در مبحث توحید، از اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی بسیار بهره گرفته و در ابواب مراتب مردم در خداشناسی، اتّحاد و وحدت، تأویل و شرح شطحیات حلاج و بایزید مطالبی از آن کتاب نقل کرده است. وی، در بحث از نبوت و امامت، به بررسی دیدگاه کلامی شیعه پرداخته و، در باب معاد، بر حفظ شریعت و عمل به احکام شرع تأکید کرده است.

در پایان مقدمه، سلسله کبرویه ذهبیه معرفی و نام بزرگان این سلسله از جمله پیر و مرشد مؤلف ذکر و به احترام یاد شده است.

وی، در ۱۱۵۸، نزد پدرش به فراگیری معارف دینی و عرفانی پرداخت و، تا آخر عمر پدر، در نجف اشرف، در خدمت او بود و، ضمن سیر و سلوک عملی، در فراگیری نکته‌ها و دقایق عرفان نظری نیز از محضر او بهره‌های بسیار برد.

جامع‌الکلیات یگانه‌اثر مکتوب باقی‌مانده از امّ سلمه بیگم است که، به قول خود مؤلف، بر مبنای مباحث منظومۀ عرفانی پدرش، فصل الخطاب (قصیده تائیه‌ای به زبان عربی در بیش از شش هزار بیت)، مرتّب و مدوّن گشته است.

امّ سلمه کوشیده است مطالب این منظومه را به اختصار به زبان فارسی ساده بیان کند. وی، در شرح معانی عرفانی، به آیات قرآن و روایات و همچنین اشعار فارسی استشهدا جسته و احیاناً برخی از مباحث کلام شیعه را مطرح کرده است.

در جامع‌الکلیات، مهم‌ترین مباحث عرفانی در چهارده باب «بیان» شده است. در بیان اول، «در تحقیق معنی لاهوت»، از حقیقت وجود، صفات و اسماء الهی، وحدت حق، نسبت خداوند با عالم، حقیقت علم خداوند و مرتبه ذات سخن به میان آمده است؛ امّ سلمه، به پیروی از پدرش، هرگونه اشتراک میان صفات خداوند و ممکنات را نفی می‌کند. به گفته وی، میان او و ممکنات امتیاز است بلا اشتراک معنوی و لفظی. صفات الهی یا صفات ذاتیه است که رابطه آنها با ذات حمل هُو هُو یا حمل اولی است؛ یا صفات فعلیه که حادث است و حمل آنها بر ذات خداوند حمل اشتقاق است. اسماء الهی نیز یا اسماء ذاتیه است که حادث و مشتق از صفات ذاتیه است؛ و یا اسماء فعلیه که آن نیز حادث و مشتق از صفات فعلیه است. اسماء ذاتیه و فعلیه، به حمل هُو هُو

مثال، و نیز واقعات عرفانی را مطرح کرده است. وی، با تسلط کامل بر متون عرفانی و روایی و نیز با تبخّر کافی در شعر و ادب، اثری ارزشمند و گران‌قدر و کاملاً محققانه پدید آورده و، برای رفع هرگونه شبهه، کوشیده است آراء عرفانی خود را با آیات و روایات مستند سازد.

تصحیح محققانۀ این کتاب ارزش آن را دوچندان کرده است. در تصحیح، از شش نسخه خطی و دو نسخه چاپ سنگی استفاده و به منابع و مأخذ مورد استناد نویسنده مراجعه و پانوشته‌های سودمندی، افزوده شده است. عبارات عربی که ترجمۀ آنها در متن نیامده ترجمه شده است. در پایان نیز، بخشی از نور الهدایه شیخ نجیب‌الدین رضا تبریزی نقل شده است. آیات، احادیث، منظومه‌ها، اسامی اشخاص، ادیان، طوایف، سلاسل، فرق، اسامی اماکن و بلاد، اسامی کتاب‌ها و نیز منابع تحقیق فهرست شده است.

م.ج.ش.

جامع‌الکلیات، امّ سلمه بیگم نیریزی، تصحیح و تعلیقات مهدی افتخار، نشر بخشایش، قم ۱۳۸۱، ۲۲۶ صفحه.

امّ سلمه بیگم، ملقب به «دعا»، از بزرگ‌ترین زنان عارف قرن دوازدهم هجری است. پدر او، سید قطب‌الدین محمد حسینی نیریزی (وفات: ۱۱۷۳)، و جدّ مادری‌اش، شیخ علی نقی اصطهباناتی، از عارفان بزرگ و پرآوازه سلسله ذهبیه بودند. دانسته‌های مادر باره امّ سلمه محدود به اطلاعاتی است که خود او در جامع‌الکلیات به دست داده است.

یعنی حمل اولی بر ذات حمل می‌شوند.

در بیان دوم، «در تحقّق عالم جبروت»، از ظهور اسماء و صفات و تجلیات الهی، به‌ویژه نور و روح محمّدی، سخن به میان آمده و قوسین مَهر نبوت شرح شده است. به نقل او، تحقّق عالم جبروت ظهور کمالات اسماء و صفات الهی است که اجمالش صادر اوّل و همان نور محمّدی است و تفصیلش تجلّی ثانی و روح محمّدی.

بیان سوم «در تحقیق عالم ملکوت و تجلّی افعالی»، بیان چهارم «در تحقیق عالم آثار»، بیان پنجم «در تحقیق عالم ناسوت و حقیقت انسان کامل» است. موضوع بیان‌های ششم تا دهم مبدأ و معاد و سیر نزولی و صعودی روح است. در بیان یازدهم، از معرفت روح، عقل، نفس و بدن سخن رفته و، در سه بیان آخر، به اقسام سالکان، طرق سلوک و سیر سالکان پرداخته شده است.

امّ سلمه، سالکان را به چهار دسته تقسیم کرده است:

۱) مجذوبان سالک که از جذبه به حقیقت رسیده و از خود فانی شده‌اند؛ سپس، به امر الهی، به این عالم باز می‌گردند تا خلق را هدایت کنند.

۲) سالکان مجذوب، که نخست به سیر و سلوک و علم و عمل و ریاضت پرداخته‌اند؛ سپس، قابلیت جذبه الهی را یافته‌اند. این جماعت را مهتدین و توّابین نیز خوانده‌اند.

۳) مجذوبان مطلق، که از جذبه به حقیقت رسیده و از خود فانی شده‌اند و به این عالم بازنگشته‌اند بلکه در مقام جمع محوند و نمی‌توانند دیگران را هدایت کنند.

۴) سالکان بی‌جذبه که، به عقل خود و بی‌مرشد، سلوک می‌کنند و به قید و اِنیّت خود

گرفتار و در مقام فرق‌اند.

از جامع الکلیّات نسخه‌های متعدّدی در دست است: نسخه‌ای به شماره ۸۵۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجموعه اهدائی سیدمحمّد مشکوة که میکروفیلمی نیز با شماره ۵۶۳۱ از آن تهیه شده؛ سه نسخه با شماره‌های ۹۳۱۳/۴، ۵۹۰۳ و ۸۶۰۱/۶ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی؛ نسخه‌ای به شماره ردیف ۲۶۱ و شماره دفتر ۳۱۷۲/۷ در کتابخانه ملی تبریز؛ و دو نسخه با شماره‌های ۱۶/۱ و ۲۴/۲ در کتابخانه خانقاه احمدیّه شیراز.

این اثر، نخستین بار به کوشش وحیدالاولیاء به صورت سنگی (شیراز ۱۳۵۲ ق) چاپ شد. مصحّح از این چاپ سنگی و از نسخه کتابخانه خانقاه احمدیّه شیراز بهره برده و، افزون بر مقدمه‌ای کوتاه در معرفی این رساله و نویسنده آن و نیز شرح مختصر احوال و آثار سید قطب‌الدّین، پاورقی‌های مفیدی افزوده و فهرست‌های متعدّدی - آیات و اشعار، کتاب‌ها، اشخاص - درج کرده است.

م.ج. ش.

رؤیاهای از یادرفته، گزیده اشعار هندی - فارسی<sup>۱</sup>، وارث کرمانی، دهلی ۱۹۸۶.

وارث کرمانی، نویسنده کتاب، استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علیگر است. رؤیاهای از یادرفته مجموعه‌ای است از سروده‌های شاعران شبه‌قاره از قرن یازدهم تا قرن بیستم

1) Waris KIRMANI, *Dreams Forgotten, An Anthology of Indo-Persian Poetry*.

دربارهٔ رابطهٔ عالم کبیر و عالم صغیر و ضرورت شناخت آنها سخن گفته، سپس، جداگانه به هر کدام از آن دو پرداخته است.

وی عالم صغیر (انسان) را نسخه و نمودار عالم کبیر شمرده و شناخت عالم کبیر را از طریق معرفت نفس میسر دانسته است.

از مباحث مهم باب اول علم الهی و قضا و قدر است. به بیان مؤلف، قضای الهی پیدا آمدن علم ازلی الهی و اسباب است و قدر در کار آوردن اسباب. ردّ بعضی از قدر شدنی است اما ردّ کلّ آن شدنی نیست. و قدر با قدر رد می‌شود. مؤلف، در بیان نظرگاه اهل وحدت دربارهٔ عالم کبیر، آنان را به دو گروه تقسیم کرده است: طایفه‌ای که معتقدند وجود بیش از یکی نیست و آن وجود خداوند است و طایفهٔ دیگر که به وجود حقیقی و وجود خیالی قایل‌اند: خداوند وجود حقیقی است و هستی نیست‌نمای؛ عالم وجود خیالی است و نیستی هست‌نمای. به گفتهٔ وی، باطن این وجود نور است و همین نور است که جان عالم است و عالم نیز ملامال این نور است. این نور عاشقی مظاهر خود است؛ چون، در این مظاهر، جمال و اسماء و صفات خود را مشاهده می‌کند.

در اصل‌های سه‌گانهٔ باب دوم، به ترتیب، از انسان و مراتب انسان، رابطهٔ عالم صغیر و عالم کبیر، و سلوک و تعلقات آن بحث می‌شود.

نسفی، در بحث از رابطهٔ عالم صغیر و عالم کبیر، از مقام خلافت الهی سخن گفته، عقل اول را خلیفهٔ الهی و مظهر صفات خداوند در عالم کبیر و عقل انسان را خلیفهٔ خداوند در عالم صغیر دانسته است.

در بحث سلوک، از نیت سالک، حجاب و مقام

میلادی، به همراه شرح مختصری از زندگی آنان. کتاب دو فصل مهم دارد: فصل اول گزارشی است از تاریخچهٔ پیدایش و تحول شعر پارسی در شبه‌قاره. فصل دوم به سبک هندی و تاریخچهٔ آن اختصاص دارد. مؤلف برای یافتن نام، نشان و آثار به‌جای‌مانده از شاعران به همهٔ نسخه‌های خطی موجود در شبه‌قاره و نیز منابع چاپی مراجعه کرده است. از ویژگی‌های کتاب وجود واژه‌ها، استعاره‌ها و تشبیه‌های بدیعی است که در بین اشعار نقل شده می‌توان یافت.

فرناز ناظرزاده کرمانی

زبدۀ الحقایق، شیخ عزیزالدین نسفی، تصحیح مقدمه و تعلیقات حق‌وردی ناصری، طهوری، تهران ۱۳۸۱ (چاپ دوم)، ۱۴۰ صفحه.

زبدۀ الحقایق رساله‌ای است عرفانی-تعلیمی دربارهٔ معرفت عالم کبیر و عالم صغیر و معرفت مبدأ و معاد. این رساله، چنان که نسفی خود در مقدمه اشاره کرده، گزیدهٔ اثری مفصل و حجیم به نام رسالهٔ مبدأ و معاد است و زبدۀ اندیشه‌ها و تعلیم عرفانی مؤلف را در بر دارد. این اثر به همان سبک و سیاق دیگر آثار نسفی نوشته شده و، در آن، مطالب عرفانی، به قصد تعلیم، به زبانی ساده به بیان درآمده است.

رساله مشتمل است بر دو باب، هر باب در سه اصل. باب نخست به مبحث عالم کبیر و باب دوم به مبحث عالم صغیر اختصاص یافته و آراء اهل شریعت و اهل حکمت و اهل وحدت در آنها شرح داده شده و، در خلال دیدگاه اهل وحدت، رأی و نظر خود مؤلف نیز طرح شده است. نسفی نخست

سخن به میان آمده است. سلوک رفتن از اقوال بد به اقوال نیک و از افعال بد به افعال نیک و از اخلاق بد به اخلاق نیک و از هستی خود به هستی خدای تعریف و مداومت سالک بر اقوال، افعال و اخلاق نیک موجب تابیدن انوار معارف بر وی و کشف حقایق اشیا شمرده شده است.

نسفی اقوال و افعال و اخلاق نیک و معارف را اصول مقامات و احوال طریقت و دوستی جاه و مال و تقلید و معصیت را اصول حُجُب و عقبات دانسته است.

از این رساله نسخه‌های متعددی در دست است. اما مصحح فقط از یک نسخه خطی که در ۱۲۴۷ (۷۱۰ سال پس از مرگ مصنف) کتابت شده و نیز از نسخه چاپ سنگی که ذیل اشعة اللمعات به چاپ رسیده استفاده کرده است.

بنابراین، هنوز جای تصحیح انتقادی دیگری که بتواند حق این ارزشمند عرفانی را ادا کند خالی است.

م.ج.ش.

**سخنواره: به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری، به کوشش ایرج افشار-دکتر هانس روبرت رویمر، انتشارات توس، تهران ۱۳۷۶، ۱۶۹+۷۷۳ صفحه (به زبان‌های اروپایی)، جلد زرکوب، تصویر.**

گرامی داشت بزرگان از خصلت‌های پسندیده‌دیرین ایرانیان است که در اخلاق عملی و نظری همواره بر آن تأکید شده است. اما تدوین یادنامه در بزرگداشت بزرگان و نام‌آوران از رهاوردهای فرنگ است که در سال‌های اخیر در ایران باب شده و

رونق گرفته است. این یادنامه‌ها سبب می‌شوند که، قبل از هر چیز، زندگی‌نامه‌ای جامع، درباره شخصیت مورد نظر در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد و چه‌بسا که سرمشق هم واقع شود. فایده دیگر این یادنامه‌ها احتوای آنها بر تازه‌ترین دستاوردهای محققان است. اما فایده مهم‌تر و اصلی این یادنامه‌ها در این است که، چون حول شخصیتی معین که در زمینه‌ای خاص تحقیق کرده و عمرگذرانده است تدوین می‌شوند، محتوای آنها جنبه تخصصی پیدا می‌کند و خود کتاب به صورت منبعی تخصصی در موضوعی خاص درمی‌آید- بگذریم از اندک یادنامه‌ها و جشن‌نامه‌هایی که صورت کشکول پیدا می‌کنند و گردآورنده هرچه به دستش می‌رسد در آن می‌ریزد.

یک نمونه خوب این یادنامه‌های تخصصی که در سال ۱۳۷۶ به کوشش آقایان ایرج افشار و هانس رویمر انتشار یافته است سخواره است حاوی پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به فارسی و چند زبان اروپایی که به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری فراهم آمده است.

دکتر پرویز ناتل خانلری (۱۲۹۲-۱۳۶۹) از نامداران معاصر ایران مخصوصاً در زمینه ادب فارسی است که کار تألیف و ترجمه را از نوزده سالگی با ترجمه دختر سروان، اثر پوشکین، در سال ۱۳۱۰ آغاز کرد و در ۱۳۱۷ با انتشار کتاب روانشناسی رسماً به جرگه اهل قلم پیوست. از آن پس، عمر را همواره در تألیف و ترجمه گذراند. تألیفات، تصحیحات، ترجمه‌ها و مجموعه‌های او به سی و سه عنوان می‌رسد که نیمی از آنها جایگاه مرجع پیدا کرده‌اند.

از جمله خدمات خانلری یکی تأسیس مجله

ادبیات فارسی با آثاری از سید علی آل‌داود، محمدحسین اسلام‌پناه، شریف‌النساء انصاری، آنجلو پی‌یه مونتسه، مسعود تاکی، هاشم رجب‌زاده، محمدرضا شفیع کدکنی، ذبیح‌الله صفا، احمد ظهورالدین، امیرحسن عابدی، برق عطا کریم، محمد غلامرضایی، مهدی قریب، اشرف وحید؛ تاریخ و فرهنگ با مقاله‌هایی از چراغعلی اعظمی، ایرج افشار، مهران افشاری، کیکاووس جهانداری، محمدتقی دانش‌پژوه، محمد دبیرسیاقی، جلال ستاری، منوچهر ستوده، احمد شعبانی، شاپور شهبازی، همایون صنعتی، شریف حسین قاسمی، بدرالزمان قریب، کتابیون مزدپور، علینقی منزوی، محمد سرور مولایی، اصغر مهدوی، هما ناطق، محمد عیسی ویلی، اقبال یغمایی؛ مقالات به زبان‌های دیگر از ه. یوسه، ا. دانیل، ژ. دوشن گیمن، انعام‌الحق کوثر، ژ. لازار، نذیر احمد، رضا نواب‌پور، تورج رهنما، اسکارچا آمورتی، ب. اوتاس، ر. زیپولی.

غرض از ذکر این اسامی نشان دادن این نکته است که همه کسانی که در تدوین این مجموعه همکاری کرده‌اند اهل فن و تخصص بوده‌اند؛ اما از آنجا که نقل چکیده مقالات آنان به درازا می‌کشد، در اینجا برای به دست دادن نمونه‌ای از محتوای سخواره به نقل عنوان مقالات و چکیده یکی دو مقاله بسنده می‌شود.

در بخش «زبان فارسی و زبان‌شناسی» مقاله احمد اقتداری به بررسی «شائور فارسی-ادشاوور سومری» اختصاص دارد. شائور رودی است که از میان شهر شوش می‌گذرد و در حدود العالم و کتب جغرافیایی پس از آن به صورت «شاوور» ضبط شده است. «اور» در مغرب ایران و بین‌النهرین در

ادبی سخن و انتشار آن طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۲ است که در دوره‌ای طولانی، با نشر آثار نویسندگان و شاعران، خلأ فرهنگی بزرگی را، به‌خصوص در عرصه ادبیات جهانی، پر کرده و، علاوه بر آن، به مترجمان جوان فرصت بروز استعداد و پدیدآوردن فراورده‌هایی ارزشمند داده و در پرورش آنان نیز سهم عمده یافته است.

خدمت بزرگ دیگر او تأسیس بنیاد فرهنگ ایران و جلب پرمایه‌ترین محققان برای همکاری در تصحیح متون گرانبهای فارسی و نشر این متون بوده که موجب شده است بخش مهمی از میراث فرهنگی ما از نهانگاه گنجینه‌های نسخ خطی در بلاد جهان بیرون آید و در دسترس فارسی‌زبانان علاقه‌مند قرار گیرد.

توجه به دکتر خانلری و شناخت بهتر او و گرامی‌داشتش از آن رو ضرورت دارد که وی یکی از ادیبان صاحب نظر، نویسندگان صاحب سبک و شاعران پرمایه روزگار ماست و در شکل‌گیری و تحوّل ادبیات فارسی سهم و نقش انکارناپذیر و تأثیرگذار داشته است. آثار دکتر خانلری به طور کلی و ماهنامه سخن به طور اخص، طی چند دهه، از بهترین و آموزنده‌ترین وسایل آشنائی درست و سنجیده ایرانیان با ادبیات کهنه و نو اروپایی بوده است.

مجموعه سخواره هم، که به یاد او فراهم آمده است، به همین اندازه آموزنده و سودمند است. این مجموعه متشکل از چهار بخش مجزاست: زبان فارسی و زبان‌شناسی حاوی تحقیقاتی از محسن ابوالقاسمی، پرویز اذکایی، احمد اقتداری، ساسان سپینتا، احمد شمس‌الدین، غلامرضا طاهر، محمد فشارکی، مصطفی مقرّبی، یحیی ماهیار نوابی؛



معنای شهر بزرگ و رود پر آب به کار می‌رفته است و نام شهر معروف و مهم سومری بوده که در ترکیب شائور/ ایشاور وارد شده است.

بخش دوم، «ادبیات فارسی» به معرفی چند منظومه چاپ نشده، شعر حافظ، قصص مولوی، سرچشمه قصه لیلی و مجنون، چند شاعر گمنام مثل صامت اصفهانی و انیس الشعرا اختصاص دارد.

آموزنده‌ترین بخش مجموعه بخش «تاریخ و فرهنگ» است با تحقیقاتی درباره پیشینه پزشکی در ایران، همانندی‌های داستان‌های نوح و فریدون، روز تولد، آفریدگار در اساطیر شمال آفریقا، جایگاه «کبودجامه»، خداینامه در متن یونانی، نقش سعیدی‌ها در حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی، ضحاک و فریدون، دانشجویان ایرانی در دانشگاه لیون فرانسه...

دکتر شاپور شهبازی، در مقاله بدیع «خداینامه در متن یونانی» که بر اساس منابع شرقی و غربی تهیه شده است، نشان می‌دهد که در روزگار انوشیروان «دستچینی» از خداینامه تهیه شده بوده که «تا به امروز کمابیش همه آن را در روایتی یونانی در دست داریم» و آن متنی است که آگاثیاس (متولد حدود سال ۵۳۲م) به کمک سرگیوس، مترجم ارمنی، تهیه کرده بوده است.

در بخش چهارم تحقیقاتی با عنوان‌های زیر درج شده است:

«تخت جمشید»، «واژه‌های عربی در سفرنامه‌های فارسی دوره قاجار»، «عروض فارسی»، «مکتب‌های شعر فارسی»، «چرا فارسی، دری نام گرفت»، «مجالس تصویری مونس الاحرار»، «یکی بود یکی نبود جمالزاده»، «ادبیات جدید در

ایران»، «اسناد آرشیو ایتالیا درباره مشروطیت»، «بربط بر اساس وامق و عذرای عنصری»، «غزل حافظ» مقالات این بخش به آلمانی، انگلیسی و فرانسوی است.

ع.ر.

**سعیدی‌شناسی، دفتر ششم، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، مرکز سعیدی‌شناسی، شیراز اردیبهشت ۱۳۸۲، ۱۸۳ + ۱۲ صفحه.**

در فهرست این دفتر عناوین پانزده مقاله و گزارش درج شده است که ذیلاً به بررسی آنها می‌پردازیم.

«در آیین نکوداشت سعیدی» از احمد مسجدجامعی، بر سه ویژگی آثار قلمی شیخ علیه‌الرحمه - آراستگی پند و اندرز به لطایف و ظرایف، توجه به خلقیات اجتماعی اصناف گوناگون، و شهامت در بیان حقیقت - تأکید شده است.

باستانی پاریزی، در «تخلص سعیدی»، اظهار نظر کرده که شیخ تخلص خود را از «آل سعیدی»، طایفه‌ای در شیراز، گرفته است. استاد خاطر نشان می‌سازد که سعیدی، در بیش از ۱۲۰ غزل، پس از بیت تخلص، که معمولاً آخرین بیت غزل است، دو یا سه بیت آورده است.

در «گفت و شنودهای توانگر و تهیدست به روایت گلستان سعیدی»، از محمود روح‌الامینی، به سه زمینه متفاوت در باب توانگری و تهیدستی در گلستان اشاره شده است: ۱) در «جدال سعیدی با مدعی»، چنین می‌نماید که سعیدی توانگری را بر فقر برتری داده است؛ ۲) در حکایات «درویش برهنه» و «موسی و درویش برهنه»، سعیدی

سعدی از آرایه‌های ادبی عاری است و این سادگی مهم‌ترین ویژگی هنر اوست. در عین حال، شیخ سروده‌هایی دارد آراسته به ترفندهای هنری که، در آنها، با آشنایی‌زدایی و هنجارشکنی رستاخیز به پا کرده است. مثلاً در بیت

نشستم تا بیرون آیی خرامان

تو بیرون آمدی من رفتم از هوش  
ردیف شدن فعل‌های «نشستم»، «بیرون آیی»، «بیرون آمدی» این انتظار را پدید می‌آورد که فعل «رفتم» همسان بقیه فعل‌ها در معنی اصلی به کار رفته باشد؛ اما خواننده، برخلاف انتظار، آن را با واژه «هوش» هم‌نشین و در معنای مجازی می‌یابد و غافلگیر می‌شود.

گاهی شاعر ابتدا خواننده را به سمتی می‌کشاند و، در میانه راه به ناگهان مسیر ذهنی او را تغییر می‌دهد چنان که در این بیت:

اول منم که در همه عالم نیامدمت

زیباتر از تو در نظرم هیچ منظری  
سعدی صنعت ایهام را نیز استادانه به کار می‌برد تا به حدی که در آن تکلفی احساس نمی‌شود. نمونه‌اش:

در آب دو دیده از تو غرقم

امسید لب و کنار دارم

به‌گزینی واژه‌ها و تعبیرها نیز هنر نظرگیر سعدی است. مثلاً در این بیت:

آنسان که شب آرام نگیرند ز فکرت

چون صبح پدید است که صاحب‌نظرانند  
تعبیر «چون صبح پدید است» در کنار «شب» بهترین‌گزینش است.

در مقاله «سعدی و سیف فرغانی: کامیابی و ناکامیابی» از سعید حمیدیان نشان داده شده است

تهیدستی را ناشی از خرج بیش از دخل و کم‌ظرفیتی می‌داند؛ ۳) در حکایات «گفتگوی حاتم طایی و مرد خارکن» و «گفتگو با درویش تهیدست بزرگ‌همت» و «گفتگوی توانگرزاده با فرزند یک تهیدست» سعدی به مناعت طبع در عین تهیدستی توجه دارد.

مقاله «حکایت تناقض‌گویی‌های سعدی» از اصغر دادبه در سه بخش ارائه شده است: تناقض و تناقض‌نمایی؛ سعدی، تناقض و تناقض‌نمایی؛ نقد (نقد خرده‌گیری‌ها). در بخش اول، ضمن تعریف تناقض در منطق نظری و تناقض‌نمایی در منطق شعر، شواهدی در بیان معنای خلاف‌آمد عادت ذکر شده است. در بخش دوم، مؤلف، با نقل نمونه‌هایی از گلستان و بوستان، کوشیده است تا نشان دهد که غزلیات سعدی و اشعار آمیخته به نثر او نمونه‌اعلای شعر و جلوه‌گاه صنایع بدیعی و بیانی از جمله متناقض‌نمایی است. در این بخش، همچنین، نظر منتقدانی مطرح شده است که در سخنان سعدی تناقض منطقی سراغ گرفته‌اند. بخش سوم حاوی پاسخ‌هایی است در رد این انتقادهای بر اساس اصل تناقض در جامعه (منظر جامعه‌شناختی)، اصل منطقی (منظر هنری)، و اصل بسامد (منظر اعم‌الغلب).

در مقاله «هرجا گل است خار هم هست» از ابراهیم قیصری، نویسنده نارسایی‌هایی را که در سخنان سعدی دیده بیان کرده است. این نارسایی‌ها (حدود سی نمونه) عموماً جنبه بلاغی دارد و از مقوله اضافه‌های تشبیهی و استعاری و کنایه و مجاز است.

کاووس حسن‌لی در «شگردهای هنری سعدی» به این معنی توجه کرده که بسیاری از سخنان

که سیف فرغانی، شاعر معاصر سعدی، در بسیاری از اشعار خود از سعدی اقتباس و اشعار او را تضمین کرده است. اشعار سیف را می‌توان در ذیل دو مقوله محتوا و شکل با اشعار سعدی سنجید. سعدی، در بیان مضامین عاشقانه، بی‌باک و محو و مستهلک در معشوق است و سیف محافظه‌کار و عاقبت‌جوست. صور خیال، در شعر سیف، متکلف و غریب است. کاربرد گونه‌های گویشی مثل خوهم، خوهی، خوهیم از فعل خواستن در هنجار سخن سیف تأثیر گذاشته است. از حیث قافیه و ردیف نیز در شعر سیف پدیده‌هایی می‌توان سراغ گرفت که در سعدی نایاب است. از جمله الف‌اطلاق در آخر بیت، قافیه شدن دال و ذال معجم، قافیه شدن یای نکره و غیر آن، تکرار قافیه، ایطای جلی (شایگان).

میرجلال‌الدین کزازی در مقاله «پدیدارشناسی سخن سعدی»، این نکته را خاطر نشان ساخته که یک سر دامنه زیباشناسی سخن آرایه است و سر دیگرش آن. فن بدیع در آغاز، فن بیان در میانه و فن معانی در انتهای دامنه، مرزی نزدیک به آن، جای می‌گیرد. هرچه از آرایه می‌گسلیم و به آن می‌پیوندیم، از برون به درون، از پیکر به پیام نزدیک می‌شویم. قلمرو آفرینش هنری سعدی بیشتر به آن سوی آن باز می‌گردد. زیبایی او در شعر زیبایی گوه‌رین (ذاتی) است و، از این رو، شورانگیزتر، شرخیزتر و هنری‌تر است.

در مقاله «نگاه سعدی در غزل» از نعمت‌الله ایران‌زاده، به برخی از ویژگی‌های سبکی شاعر توجه شده است. از جمله ویژگی‌های غزل سعدی، در حوزه معنایی واژگان، واژه‌های چشم (یا دیده) و ترکیبات آن است که بسامد آن بیشتر است و با

تشخص و برجستگی به‌کار رفته است. ترکیباتی چون دیده به در بودن، دیده بستن، دیده پوشیدن، دیده دوختن، آب چشم، چشم تنگ، چشم فتان، چشم مست، نرگس مست، چشم سیه، چشم شوخ، چشم برگرفتن، چشم برنهادن، چشم دوختن در این زمره است. همچنین در غزل سعدی، نظریاتی تشخص دیگری دارد. اگر سعدی، در گلستان و بوستان، صاحب‌دل را برمی‌گزیند، در غزل شاعری است نظریاز.

در مقاله «سعدی‌شناسی در ژاپن» از هاشم رجب‌زاده آمده است که یکی از قدیم‌ترین اشاره‌ها به سعدی در نوشته‌های ژاپنیان را در سفرونامه یوشیدا ماساهارو می‌توان یافت. او، در سال‌های ۱۸۸۰-۱۸۸۱م فرستاده ژاپن در دربار ناصرالدین شاه بود. از آن به بعد، مترجمان آثار سعدی به ژاپنی، به ترتیب تاریخی، به این شرح‌اند: آراکی شیگه‌رو؛ کاتو چوکا، مترجم گلستان در ۱۹۲۲؛ توکوزاوا ریوتان؛ تاکاسه کُواشی، مترجم گلستان در ۱۹۴۸؛ ساوایی زو، صاحب ترجمه اصیل و معتبر گلستان که در ۱۹۵۱ منتشر شد؛ گامو ری‌ایچی، پدیدآورنده معتبرترین و دقیق‌ترین ترجمه گلستان که در ۱۹۵۳ انتشار یافته (وی همچنین، در اثر دیگر خود، ترجمه احوال مردان ادب قرن‌های میانه ایران و شاعران ایران، گلستان و بوستان سعدی را معرفی کرده است)؛ کُورویاناگی تسونه‌تو. در مقاله «همه گویند ولی گفته سعدی دگرست» از احمد مهدوی دامغانی، نمونه‌هایی از مضامین و تعبیرات سعدی، در مقام تضمین و تلمیح و یا در مقام تحدی و مجازات با گویندگان پیش از خود از ایرانی و عرب یا از باب «توارد خاطرین» آمده است.

غازان‌نامه منظوم، نورالدین بن محمد اژدری  
متخلص به «نوری»، به کوشش محمود مدبری،  
بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران  
۱۳۸۱، ۱۰+۳۷۰+۲۸ صفحه.

تصحیح این کتاب بر اساس نسخه خطی منحصر  
به فردی انجام گرفته که سابقاً به ادوارد براون تعلق  
داشته و هم‌اکنون با شماره Brown Ms V. 28 (8) در  
کتابخانه کمبریج انگلستان نگهداری می‌شود و  
فیلم آن به شماره ۸۵۰ در کتابخانه مرکزی و مرکز  
اسناد دانشگاه تهران موجود است. این نسخه در  
نهم ذی‌حجه سال ۸۷۳، به خط نستعلیق خطوطی  
شروانی، در تبریز، برای خزانه اوزون حسن کتابت  
شده است. کاتب مقدمه‌ای منثور بر کتاب نوشته و  
گویا همو برخی از واژه‌های مشکل متن را معنی  
کرده است. در مقدمه کاتب و عناوین نسخه برخی  
اشتباهات تاریخی دیده می‌شود.

از اطلاعات محدودی که در متن کتاب و  
مقدمه کاتب آمده چنین برمی‌آید که سراینده  
غازان‌نامه در حدود سال ۷۰۸، گویا در تبریز، به دنیا  
آمده و تمایل به مذهب شیعه داشته و پدرش،  
شمس‌الدین محمد اژدری، در زمان غازان خان  
موسوم به وزارت بوده که البته در منابع تاریخی  
تأیید نشده است.

نظم غازان‌نامه به سال ۷۶۳، در پنجاه سالگی  
شاعر، به پایان رسیده است. نوری این مثنوی را به  
نام سلطان اویس جلایر، در تاریخ ایلخان بزرگ  
غازان خان محمود، شاید از روی تاریخ مبارک  
غازانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، سروده  
است. نام کتاب، در مقدمه کاتب، به صورت  
«غازان‌نامه» و در متن (بیت ش ۲۹۲ و ۱۹۶۱) چند  
بار به صورت «غزان‌نامه» آمده است.

عباس خائفی در «سعدی و مکتب وقوع»،  
کوشش کرده است تا برخی از عناصر متشکله این  
مکتب را در غزل‌های سعدی بازابد که از جمله  
آن‌هاست نشانه‌های حقارت، مهرطلبی، رشک،  
آزارجویی، سماجت، عجز و ناتوانی، جابه‌جایی.

مقاله «دیباچه گلستان» بخشی از مقدمه کنتس  
دونوآی است بر ترجمه گلستان سعدی به زبان  
فرانسه به قلم فرانتس توسن. کنتس از بزرگ‌ترین  
شعرا فرانسه در عصر خود و مقدمه او در زمره  
زیباترین نمونه‌های نثر معاصر است.

در مقاله «ساختمان آرامگاه سعدی» از علی  
سامی آمده است که آرامگاه سعدی، بنا به  
گزارش‌هایی که تذکره‌نویسان از قرن هشتم هجری  
تا کنون داده‌اند، همواره زیارتگاه اهل دل بوده  
است. نخستین جهانگردی که از سعدیه نام برده  
ابن بطوطه در ۷۶۸ هجری است. صاحب شد الازار  
(تألیف: ۷۹۱ هـ)؛ فصیح خوافی (۷۷۷-۸۴۵ هـ)،  
مؤلف مجمل فصیحی؛ دولتشاه سمرقندی مؤلف  
تذکره الشعرا (تألیف ۸۹۳ هـ) نیز، هر یک به نحوی،  
از آرامگاه سعدی خبر داده‌اند.

در گزارش «سعدی در اینترنت» از فرح نیازکار  
نشانی بیش از پنجاه پایگاه (سایت) اینترنتی آمده  
است که، با مراجعه به آنها، می‌توان اطلاعاتی  
اجمالی درباره سعدی و آثار او کسب کرد. امّا،  
به‌رغم وجود این شبکه‌ها، در هیچ یک از  
وب‌سایت‌ها نمی‌توان متن کلیات سعدی را به زبان  
فارسی بازیافت. برای آشنائی کودکان و نوجوانان با  
سعدی هیچ‌گونه سایتی وجود ندارد. مقالات و  
پژوهش‌هایی که تا کنون در باب سعدی ارائه شده  
در هیچ یک از سایت‌ها نیامده است.

س.غ.

ناظم، در مقدمه اثر، به حمد خدای، نعت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیر (علیه السلام)، وصف خرد و سخن و نفس و آفرینش، مدح پادشاه (اویس)، نصیحت فرزند، و سبب نظم کتاب پرداخته و سپس متن تاریخ را، با ذکر مختصر پادشاهی چنگیز خان و جانشینان او تا روی کار آمدن ارغون خان، پدر غازان، آغاز کرده و آن‌گاه شرح زندگی و آثار و اخبار مربوط به غازان بن ارغون را به تفصیل آورده است.

غازان‌نامه، صرف نظر از اشتغال بر فواید تاریخی بسیار، از لحاظ ویژگی‌های لغوی و زبانی هم درخور بررسی و توجه است. سراینده واژه‌های کهن بسیاری در شعر خود به کار برده که در دیگر متون هم عصر وی رواجی نداشته و به نظر می‌رسد که در این مورد قصد و عمدی داشته است.

نوری غازان‌نامه را در بیش از ۸۷۰۰ بیت، به بحر متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده است. وی سخت تحت تأثیر فردوسی بوده و چندین بیت و مصراع را با اشاره به مأخذ یا بدون آن (مانند بیت ش ۲۴۴۵) از شاهنامه تضمین کرده، مع الوصف ادعا کرده است که

ز شهنامه کردم تبراً نخست  
غازان‌نامه نامش نهادم درست

(بیت ش ۲۹۲)

مصحح غازان‌نامه را منظومه‌ای متوسط خوانده است (ص ۷). عیب‌هایی در وزن و قوافی و فصاحت بعضی ابیات آن دیده می‌شود و، با این حال، گوینده خود را هم‌شان فردوسی خوانده است (← بیت ش ۲۶۹، ۲۷۰).

مصحح شیوه رسم‌الخط رایج امروزی را در این متن اعمال و ابیات منظومه را شماره‌گذاری

کرده و مقدمه‌ای درباره سراینده و خود غازان‌نامه و نسخه کتاب آورده است. نمونه تصویر نسخه خطی، فهرست لغات و ترکیبات، فهرست عام اعلام (نام، جای، کتاب)، فهرست مطالب و یادداشتی از ایرج افشار با عنوان «غازان‌نامه دیگر» نیز در پایان کتاب آمده است.

بعضی اشتباهات متن، مانند «گواهی» (بیت ش ۲۲) به جای «گوایی»، «اوست» (بیت ش ۱۱۰) به جای «ازوست»، «تاختم» (بیت ش ۲۸۹) به جای «تافتم»، و «نه دستی» (بیت ش ۲۹۱) به جای «زدستی» ممکن است از نسخه خطی به این تصحیح راه یافته باشد.

م. ذ.

*مثنوی طریق التحقیق، منسوب به حکیم سنائی غزنوی، احتمالاً از گفتار احمد بن الحسن بن محمد النّخجوانی، به کوشش بو اوتاس، ترجمه [مقدمه از] غلامرضا دهب، انتشارات سروش، تهران ۱۳۸۱، ۱۸۳ صفحه.*

مثنوی طریق التحقیق منظومه‌ای است عرفانی-اخلاقی با خصلت تعلیمی در بحر خفیف شامل ۹۴۸ بیت. این مثنوی، به‌رغم کم‌حجمی، مباحث مهم عرفانی را در بر دارد. آغازیه آن در توحید و تنزیه حق است.

شاعر، ضمن اشاره به برخی از صفات و اسماء الهی آنها را توفیقی دانسته است. او، پس از مناجات به نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای راشدین پرداخته، سپس، از قدوم خضر و ملاقات خود با وی سخن گفته و به نحوی از سبب سرودن این مثنوی یاد کرده است.

کلیم است. گذراز هستی مادی و بیرون آمدن از بندِ هوئی و گذشتن از نقشِ عالمِ گِل یکی دیگر از راه‌های رسیدن به کمال و وصول به عالم وحدت است. کوشش انسان و دوری‌گزیدن وی از غفلت موجب می‌شود که لطف ایزد نیز یاور وی گردد:

بشریتِ چو از تو دور شود  
 آنچه عینِ دل است نور شود  
 شودت کشفِ سرِ عالمِ غیب  
 نقدِ معنی نهدت اندر جیب  
 اخلاص نیز مرکبی استوار است و انسان را به  
 سرادقِ اعلی رهنمون می‌شود:

چون بیابی حقیقتِ اخلاص  
 ره کنی قطع تا سرادقِ خاص  
 بر بساطِ جلال بنشین  
 هرچه بینی به چشم دل بینی  
 سالکان حقیقی کسانی‌اند که معتکف بر در  
 حقّ‌اند و جز غمِ او غمی ندارند و «در جهانند و از  
 جان فارغ». اسرار غیب بر آنان مکشوف است.

شاعر بر شریعت نیز تأکید خاصی دارد و شرع  
 را شحنه و ولایت و موجب سرافرازی در روز محشر  
 می‌داند.

از جمله مباحث مهم عرفانی که شاعر بدان  
 پرداخته عشق و رؤیت است. عشق حیات ابدی و  
 بهترین شعار رهروان است که اسرار آن را نمی‌توان  
 بیان کرد:

به زبان سرّ عشق نتوان گفت  
 آن‌چنان در به گفت نتوان سُفت  
 هرچه گویی که آن‌چنان باشد  
 صفتِ عشقِ غیرِ آن باشد  
 عشق را عین و شین و قاف مدان  
 بلکه سرّی است در سه حرف نهان  
 سخنِ سرّ عشق کارِ دل است  
 عشق پیرایه شعارِ دل است  
 رؤیت قرین عشق است. عاشقی که سراسر

یکی از ویژگی‌های مهم این اثر آن است که از  
 توجه خاص شاعر به خرد خبر می‌دهد. خرد  
 «شهری را که جا و مکان ماست» و «صحن آن  
 سقف گنبد اعلاست» وصف و شاعر را تشویق  
 می‌کند که بدان فرود آید و، در آن، «خلعت شاه  
 بی‌بدن» پوشد و «باده شوق بی‌دهن» نوشد و نغمه  
 «وحدّه لا شریک له» شنود. شاعر، در پاسخ این  
 دعوت، نخست به توصیف خرد می‌پردازد و آن را  
 «سایه الهی» و «نخستین حرف بر لوح کون»  
 می‌خواند و آفرینش را نتیجه او می‌داند. سپس، از  
 موانع و مشکلات سخن به میان می‌آورد:

گرچه هست این رباط منزل من  
 هست مایل به شهر تو دل من  
 جان برافشانم از طرب آن دم  
 که نهم اندر آن سواد قدم  
 من مسکین در این رباط خراب  
 ساخته خانه بر ره سیلاب

نشود نفسِ خاکیم فلکی  
 تا نگرده نهادِ بی ملکِ  
 نرسد کس به کعبه تحقیق  
 تا نباشد رفیقِ او توفیق

مباحث اصلی طریق التّحقیق، با پند و اندرز  
 آغاز می‌شود. شاعر ابتدا از جایگاه و منزل اصلی  
 انسان و هدف و مقصود از آفرینش وی سخن به  
 میان می‌آورد. انسان لطیف‌ترین و شریف‌ترین  
 مخلوق است؛ نقش بند ازل هیچ نقشی بهتر از  
 انسان نیافریده و شرف نور معرفت تنها به او ارزانی  
 شده است. پس از آن، شاعر به نکوهش و ذمّ نفس  
 و نفس‌پرستی می‌پردازد و پند و اندرز آغاز می‌کند.  
 راه رسیدن به حق آموختن علم دین است.  
 علم دین موجب سرافرازی و حضور در بارگاه حق  
 است. عالم دین ساکن خانه یقین و هم‌ره و همدم

وجودش را سوز و شوق و درد عشق فرا گرفته باشد صلاحیت و لیاقت رؤیت را می‌یابد. این رؤیت با چشم ظاهر نیست، تمام وجود و هستی عارف چشم می‌شود. زمانی عاشق شایستگی رؤیت می‌یابد که سراسر وجودش دیده شود. بدین سان، عشق سابق بر رؤیت است و رؤیت نه به چشم ظاهر بلکه به دیده جان‌بین است.

جمله عضوهاش دیده شود

تا نشانی ز دوست دیده شود

زان‌که این دیده دید نتواند

دیده از دیدنش فرو ماند

دیده را دیده دگر باید

تا بدان دیده دیدنش شاید

به چنین دیده‌ها که ما داریم

طاعت دیدنش کجا داریم

سراینده این مثنوی به تحقیق دانسته نیست. بیشتر منابع قدیم و جدیدی که از این مثنوی یاد کرده‌اند آن را به سنائی غزنوی نسبت داده‌اند. سبک و بار مضمونی اثر صحت این انتساب را تأیید می‌کند و استادانی چون فروزانفر، نفیسی، مدرس رضوی، نذیراحمد، به طور قطع آن را از سنائی دانسته‌اند. هلموت ریتر نخستین کسی است که در انتساب طریق تحقیق به سنائی تردید کرده و آن را به شخصی به نام احمد بن حسن بن محمد نخجوانی نسبت داده است.

پس از وی، شاگردش احمد آتش نیز، در رد انتساب طریق تحقیق به سنائی، بحثی کلی پیش کشیده است. بو اوتاس Bo Utas، ضمن چاپ انتقادی طریق تحقیق، در مقدمه مفصل خود، تحقیقات جامع و مفصلی در این باره کرده است. بو اوتاس، با دست‌یابی به ۲۴ نسخه خطی و ۵ نسخه چاپی مثنوی طریق تحقیق و با بهره بردن از

منابع و مآخذ بسیار، به تصحیح و نشر این اثر همت گماشته و آن را از احمد بن حسن بن محمد نخجوانی دانسته است. وی، در مقدمه این چاپ، به معرفی برخی از مهم‌ترین نسخه‌ها و بیان مندرجات اثر پرداخته و، در جدولی، ترتیب و توالی ابیات و عنوان‌ها را به دست داده است. ترجمه این مقدمه به قلم غلامرضا دهبده همراه با واژه‌نامه فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی در پایان کتاب درج شده است.

م.ج. ش.

*مجملة الاقوال فی الحکم و الامثال (گنجینه نسخه‌برگردان متون فارسی ۲)*، احمد بن احمد بن احمد دمانیسی سیواسی، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار، نشر طلائیه، تهران ۱۳۸۱، ۲۴ صفحه + ۱۶۳ برگ + ۱۴ صفحه.

این کتاب اثر دوم از مجموعه ارزشمندی است که به همت دو ایران‌شناس نامی، ایرج افشار و محمود امیدسالار، و با حمایت مالی سازمان گسترش فرهنگ پارسی (در ایندیانا) به صورت عکسی در اختیار دوستداران زبان و ادب فارسی قرار می‌گیرد. این چاپ از روی نسخه دست‌نویس مؤلف، مورخ غره ربیع الاول سال ۶۹۳، که تاریخ تألیف آن نیز هست، به یاد مالک نسخه، دانشمند فقید شادروان سید جلال‌الدین محدث ارموی، انجام گرفته است.

مؤلف، که پدرش اهل دمانیس (واقع در ارمینیة قدیم) و خود زاده سیواس (واقع در آناتولی قدیم) بوده، این اثر ارزشمند را در زمان دوری از دیار، به نام حسام‌الدین ابوالمعالی وزیر تألیف کرده

مواد هر بابی را (حدود ۵۰ مورد در هر باب) با ترتیب ثابت - آیات، احادیث نبوی، سخنان صحابه، خاصه حضرت امیر (علیه السلام)، سخنان پادشاهان، سخنان حکما، سخنان عارفان، امثال و اشعار - ذکر کرده و گاه، در ذیل باب، چند فصل فرعی نیز آورده است. شعرها در آخر هر باب آمده؛ اما، هرگاه شعری با مثلی ربط تام داشته، آن شعر به دنبال مثل آمده است.

سیواسی بنای کار را بر آن گذاشته که همه کتاب را به پارسی ترجمه کند تا فایده آن عام‌تر باشد؛ اما جای ترجمه عبارات در چندین صفحه نانوشته مانده است. وی چند باب نخستین را، برای آن‌که کلیدی به دست خواننده داده باشد، به طور کامل معنی کرده؛ اما، در باب‌های دیگر، از ترجمه عبارات آسان صرف نظر کرده است. وی معنی آیات و احادیث و امثال را در متن قرار داده و، هرگاه لازم دانسته، به معنی اکتفا نکرده و به شرح و توضیح مطلب پرداخته؛ اما معنی اشعار را کلمه به کلمه و تحت اللفظی بین السطور به طور مورب آورده است. این شیوه، به گفته استاد ایرج افشار (مقدمه، ص ۱۵)، از حیث تاریخ ترجمه متون عربی به فارسی اهمیّت دارد.

مجمّل الاقوال فی الحکم و الامثال، به لحاظ برخوردار از نثر فصیح فارسی قرن هفتم، ضبط بسیاری از واژه‌های اصیل فارسی (مانند فنکندی به جای تواضع و په‌آمد به جای بهبود) خاصه با توجه به ذکر معادل عربی آنها، و اشتغال بر چندین حکایت فارسی (قسم دوم، باب چهارم و ششم) و نمونه‌هایی از اشعار گویندگانی مانند دقیقی، لامعی، مسعود سعد، سنائی، رشید ادیب، نظامی، و مؤلف بسی ارزشمند است.

است. مجمّل الاقوال فی الحکم و الامثال مجموعه‌ای نغز از مثل‌ها و سخنان حکیمانه عربی است که مؤلف آنها را برای استفاده منشیان و دبیران و مذکران گرد آورده و به صورت موضوعی تبویب و به زبان فارسی ترجمه کرده است. مقدمه و خاتمه این کتاب نیز فارسی و بیشتر برای استفاده فارسی‌زبانان تألیف شده است.

سیواسی این کتاب را با مقدمه‌ای به نثر مسجع و مصنوع فارسی آغاز کرده در حمد خدای، نعت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، رنج غربت و روی آوردن به درگاه ممدوح، مدح ممدوح، سبب تألیف، شرح روش کار و فهرست ابواب. متن اصلی در دو قسم آمده است: قسم اول (در مؤتلفات) مشتمل بر هفتاد باب، در موضوعاتی چون واجبات دین و مسلمانی، فرمان‌برداری از ملوک و سلاطین، فضیلت عقل، فضیلت صبر، مذمت عقل و علم، شکر، صبر، فرج، عذر خواستن و استغفار، مشورت و نصیحت، راست گفتن و دروغ گفتن، سخاوت، بخل، صفت منافقان، وفای عهد، عجز و اضطراب، هوشیاری، ستایش سخن، ستایش خط و فضیلت قلم، نکوهش دنیا، ستایش توانگری، نکوهش پیری، بقای نام نیک؛ قسم دوم (در مختلفات و متفرقات) مشتمل بر هفت باب، در امثال بر نسق آیات، در اخبار که بر آن نسق اشعار گفته‌اند، در مختارات (=گزیده‌های) کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، در مختارات امثال فصیحای عرب، در اشعار که به انواع بدان تمثّل توان کرد، در حکایاتی مربوط به آیات قرآن، در فنون محاورات مستنبط از آیات، در خاتمه، انگیزه مؤلف برای اتمام کتاب آمده است.

مؤلف، پس از دسته‌بندی موضوعی مطالب،



*Vostochnaya poeziya* (شعر شرق), Sost. S. Valov, A Khrankof. M.: TERA-Knizhnyĭ Klub, Literatura, 2002, 2 vol., 512 p..

شعر شرقی، به کوشش س. والف و آ. خرامکوف، مسکو: ترا- کنیزنی کلوب، لیتراتور، ۲۰۰۲، ج ۲، ۵۱۲ صفحه.

ترجمۀ آثار ادبیات کلاسیک ایران در روسیۀ به اوایل قرن نوزدهم باز می‌گردد. در واقع، در روسیۀ، نخستین تحقیقات ادبی در زمینۀ ادبیات ایران حتی قبل از قرن نوزدهم انجام گرفته است. گواه آن دو نسخه خطی از ترجمۀ چند باب از گلستان و بوستان سعدی است متعلق به اواخر قرن هفدهم. این نسخه‌ها هم‌اکنون در کتابخانه ملی لنینگراد نگه‌داری می‌شود. از آن پس، بسیاری از آثار شاعران پارسی‌گوی به زبان روسی ترجمه یا تصحیح و منتشر شده است. از جمله، شاهنامه به روش علمی تصحیح و در نُه جلد انتشار یافته است.

مجموعۀ شعر شرق ترجمۀ گزیده‌ای از اشعار فارسی متعلق به قرن‌های چهارم تا دهم هجری به زبان روسی است. بسیاری از این آثار، پیش از این، به‌طور کامل، ترجمه و منتشر شده بودند. مقدمۀ نسبتاً مفصّلی با عنوان «اشعاری با درون‌مایه‌های جهانی» به قلم براگینسکی<sup>۱</sup> در آغاز جلد اول این گزیده آمده است. براگینسکی صاحب آثار بسیاری در زمینۀ ادبیات فارسی و از خاورشناسان معتبر است.

به‌رغم این پیشینه طولانی ترجمه و انتشار آثار ادبی فارسی، به گزارش مقدمه، هنوز در میان تحصیل‌کردگان روس کسانی یافت می‌شوند که با نام‌های فردوسی و سعدی و حافظ آشنا نیستند.

سیواسی، در این تألیف، علاوه بر محفوظات و مجموعه‌ها و تعلیقات و سفینه‌هایی که از روزگار جوانی گرد آورده، بیست منبع معتبر از تألیفات دیگران نیز در اختیار داشته که، از آن میان، در مقدمه، از امثال ابوعبید (الامثال السائرة، ابوعبید قاسم بن سلام هروی)، امثال میدانی (مجمع الامثال، ابوالفضل احمد میدانی نیشابوری)، امثال ثعالبی (ابومنصور عبدالملک ثعالبی نیشابوری)، امثال زمخشری (المستقصى فی الامثال، جاراالله محمود زمخشری)، امثال ابوبکر رازی (گویا الامثال و الحكم، محمد بن ابی‌بکر رازی)، روضة الناظر (شاید روضة الناظر و نزهة الخاطر، عبدالعزيز کاشی)، کتاب بواقیت (۴)، و جوامع الکلم (شاید از ابوبکر محمد بن علی بن قفال شاشی) یاد کرده است (افشار، ص ۱۷). مؤلف پاره‌ای از یادداشت‌های خود را در حاشیۀ نسخه افزوده است. همچنین، در حواشی این دست‌نویس، افزوده‌ها و توضیحاتی دیده می‌شود که یکی از مالکان نسخه غالباً آنها را از لطایف الطوائف علی بن حسین کاشفی نقل کرده است.

در آغاز این چاپ، یادداشتی وافی از ایرج افشار درباره چگونگی دست یافتن به این نسخه، معرفتی متن، معرفتی مؤلف، ویژگی‌های زبانی، بررسی دست‌نویس از دیدگاه نسخه‌شناسی، و یادداشتی از میرهاشم محدث، و، در پایان، فهرست شعرهای فارسی و فهرست‌های سه‌گانه (کسان، جای‌ها، کتاب‌ها)، و یادداشتی به زبان انگلیسی از محمود امیدسالار آمده است. در این اثر نفیس، جای خالی فهرست آیات، احادیث، امثال، و اشعار عربی محسوس است.

م. ذ.

1) I. BRAQINSKII

در پایان هر جلد، معرفی کوتاهی از این شاعران افزوده شده است. فهرس گزیده شامل نام‌های کسان، اسامی جغرافیایی و فهرست اصطلاحات به کوشش براگینسکی تهیه شده است. در فهرست اصطلاحات، بعضی از واژه‌ها مانند غلام، جان، ذکر شرح داده شده است. اثر چاپی مرغوب دارد و روکش آن با نقشی از یک مینیاتور ایرانی تزیین شده است.

لیلا عسکری

برآگینسکی، در این مقدمه، به بررسی اوضاع شعر پارسی و عصر و روزگار هریک از شاعران پرداخته و به تأثیر ادبیات عرب در شعر فارسی اشاره کرده و از قرن‌های چهارم تا نهم هجری با عنوان رنسانس شعر ایرانی یاد کرده است.

در گزیده، ترجمه اشعار بیست و چهار تن از شاعران پارسی‌گو درج شده است. در جلد اول، از رودکی، ترجمه نزدیک به هشتاد قصیده و غزل و قطعه درج شده است. بیشتر این اشعار را س. لپیکین<sup>۱</sup> و باقی را و. لویک<sup>۲</sup> ترجمه کرده است؛ از شاهنامه فردوسی، اشعار آغازین در ستایش خرد، بخش‌هایی مربوط به پادشاهان اسطوره‌ای، داستان‌های ضحاک، فرود، بهرام گور و مزدک به قلم لپیکین ترجمه شده است؛ از باباطاهر عریان، ترجمه ۳۲۲ رباعی به قلم سدیخ<sup>۳</sup>؛ از خیام، ترجمه نزدیک به ۴۳۰ رباعی به قلم گ. پلیستسکی<sup>۴</sup>؛ همچنین ترجمه اشعاری از خاقانی، عنصری، ابوعلی سینا، فرخی، منوچهری، اسدی، ناصر خسرو، سنایی، انوری، نظامی، عطار و کمال‌الدین اصفهانی در گزیده آمده است.

در جلد دوم، ترجمه اشعار شاعران قرن‌های هفتم تا نهم هجری به شرح زیر آمده است: از سعدی، ترجمه برخی از رباعیات، غزلیات به قلم رویچ<sup>۵</sup> و بان<sup>۶</sup> و نیز دیباچه و نه باب از ده باب بوستان به قلم چایکین<sup>۷</sup>؛ از دهلوی نزدیک به صد غزل به قلم سدیخ؛ از خواجوی کرمانی، بخش‌هایی از گل و نوروز به قلم شروینسکی<sup>۸</sup>؛ از حافظ نزدیک به ۱۵۰ غزل بیشتر به قلم گ. پلیستسکی و باقی به قلم دونایوسکی<sup>۹</sup>؛ همچنین اشعاری از جامی، مولوی، عبید زاکانی، عرفی.

- |                 |                   |
|-----------------|-------------------|
| 1) S. Lipkin    | 2) V. Levik       |
| 3) Dm. Sedyk    | 4) G. Plisetskii  |
| 5) A. Revich    | 6) BAN            |
| 7) K. Chaikin   | 8) S. Shervinskii |
| 9) E. Dunavskii |                   |

## مقاله

اشرف‌زاده، رضا، «آیا شرح عرفانی غزل‌های حافظ از ختمی لاهوری است؟»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره سوم و چهارم، سال سی و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۸۱، ص ۵۴۳-۵۵۸.

اشرف‌زاده، که خود مرج البحرین ختمی لاهوری را، بر اساس دو نسخه ارزشمند، تصحیح و آماده چاپ کرده، در این مقاله، با ارائه دلایل محکم، انتساب شرح عرفانی غزل‌های حافظ به ختمی لاهوری را رد کرده است.

این کتاب را بهاء‌الدین خرّمشاهی و دو تن از همکاران وی بازنویسی و تصحیح کرده‌اند. اشرف‌زاده بر آن است که این شرح از روی نسخه خطی بدون تاریخ بازنویسی شده و ظاهراً عنوان کتاب را هم خود مصححان اختیار کرده‌اند و، چون درباره نام شارح دچار تردید بوده‌اند، تعیین آن را بر عهده دکتر عارف نوشاهی نهاده‌اند.

دکتر نوشاهی، که مقاله‌ای محققانه درباره مرج البحرین نگاشته<sup>۱</sup>، پس از بررسی شرح عرفانی غزل‌های حافظ، به این نتیجه رسیده است که مؤلف این شرح ختمی لاهوری است. ظاهراً، در صفحه‌ای از شرح عرفانی غزل‌های حافظ (ص ۱۳۴)، نام «سیف‌الدین ابوالحسن عبدالرحمان» ذکر شده که با نام مؤلف مرج البحرین مطابقت می‌کند و همین امر موجب شده که شرح عرفانی غزل‌های حافظ را هم به او نسبت دهند. از طرفی، گویا، یکی از صفحات اول نسخه خطی، نام تهلی - با قلمی غیر از قلم کاتب - ذکر شده که به نظر دکتر نوشاهی تصحیف

«ختمی» آمده و پیشنهاد حذف آن را به مصححان کتاب داده است. اما اشرف‌زاده بر آن است که شباهت اسمی دلیل قانع‌کننده‌ای برای انتساب کتاب به ختمی لاهوری نیست. وی، سپس، با مقایسه دو کتاب به این نتیجه می‌رسد که شرح عرفانی غزل‌های حافظ، به طور قطع، از ختمی لاهوری نیست و نویسنده کتاب همان تهلی است که هویت او نامعلوم و قابل تحقیق است.

در مقاله، برای اثبات این قول، دلایل و شواهد گوناگونی عرضه شده است، از جمله، تفاوت در شیوه نگارش و نثر دو کتاب مذکور، تفاوت در منابع مورد استفاده، اختلاف در نقل ابیات حافظ، تفاوت در شیوه ذکر نام معصومین. افزون بر اینها، اشرف‌زاده به مطلبی اشاره می‌کند که به نظر او قابل توجه و تأمل بسیار است و آن این که مؤلف شرح عرفانی غزل‌های حافظ، در پایان نقل قولی از مرج البحرین که ظاهراً یکی از منابع مهم او در تألیف شرح بوده، پس از ذکر عبارت «انتهی کلامه» می‌نویسد: «پوشیده نماند که از این تقریر بر اذکیا هیچ معلوم نشد».

نویسنده، در دنباله مقاله، درباره ذکر نام «سیف‌الدین ابوالحسن عبدالرحمان» در یکی از صفحات شرح عرفانی غزل‌های حافظ، که باعث انتساب نادرست کتاب به ختمی لاهوری شده، توضیح داده است که این نام در بین مطالبی آمده

۱) نوشاهی، عارف؛ «نخستین شرح فارسی دیوان حافظ در شبه‌قاره»، سخن اهل دل (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت حافظ)، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۱.

صامت‌هاست. در بررسی یادشده، ۲۳ صامت زبان پهلوی ۱۲۲۲ بار در جایگاه آغازی و ۲۲۰۶ بار در جایگاه پایانی خوشه‌های دوصامتی و ۲۴ بار در جایگاه آغازی و ۳۰ مرتبه در جایگاه پایانی خوشه‌های سه‌صامتی جای گرفته‌اند.

هر صامتی نمی‌تواند در هر جای خوشه قرار گیرد و حضور نوع صامت‌ها در خوشه‌ها اتفاقی نیست و تا حدود زیادی قابل پیش‌بینی است. بر این اساس، خوشه‌های صامت در سه دسته بررسی شده‌اند:

۱. خوشه‌های دوصامتی آغازی (پیش از قلّه هجا) - در این خوشه‌ها، صامتی که به قلّه هجا نزدیک‌تر است در ۵۹۳ خوشه از ۱۵۷۰ خوشه ظاهر شده است. برای سهولت نتیجه‌گیری، صامت‌های خوشه به دو دسته گرفته (انسدادی، انسدادی-سایشی، سایشی) و رسا (دماغی، زنتی، کناری و غلتان (نیم‌مصوت)) تقسیم شده و بسامدشان مشخص گردیده است. از ۵۹۳ هجا ۷۳ درصد رسا و ۲۷ درصد گرفته‌اند. در این واری، فرضیه رسایی تأیید شده به این معنی که از رسائی صامت خوشه، هرچه از قلّه هجا به سوی مرز هجا (آغاز هجا) پیش رود، کاسته می‌شود.

۲. خوشه‌های دوصامتی پایانی (پس از قلّه هجا) - از هجا‌های مورد مطالعه، خوشه صامت پایانی در ۹۷۷ مورد دیده شده است. بسامد مصوت‌های گرفته، هرچه از قلّه هجا به سمت مرز هجا می‌رویم، افزایش نظرگیر می‌یابد و بسامد مصوت‌های رسا، از قلّه هجا هرچه به سوی مرز آغازی هجا پیش رویم از ۳۳/۸ به صفر می‌رسد و

که صاحب شرح عرفانی غزل‌های حافظ عیناً از مرج البحرين نقل کرده و اول و آخر این نقل قول را با عبارات «در شرح دیوان نوشته» و «اتهی کلامه»، نشان داده است. در حقیقت، صاحب شرح، پنج صفحه کامل را از روی مرج البحرين رونویسی کرده که در خلال آن نام ختمی لاهوری آمده است.

آزاده اتکال

پناه‌پور، یکتا، «بررسی فرضیه کاهش رسایی در هجای زبان پهلوی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال سی و پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۷۲۵-۷۳۲. در این مقاله، کوشش شده است تا، بر پایه فرضیه کاهش رسایی، هجا‌های زبان پهلوی بررسی شود. نویسنده، برای آزمایش این فرضیه، زبان پهلوی را مناسب تشخیص داده است.

بنا بر فرضیه کاهش رسایی، که در سال ۱۸۸۱ و سال‌های پس از آن از جانب سوسور، هوپر، یسپرسن<sup>۱</sup> و دیگران ارائه گردید، مصوت‌هایی که در قلّه هجا قرار می‌گیرند بالاترین رسایی را دارند و هرچه به سوی مرز هجا پیش رویم از این رسایی کاسته می‌شود و این در هجا‌هایی دیده می‌شود که، در مرز هجا، صامت یا صامت‌هایی (خوشه صامت) داشته باشند. بدین‌سان، قلّه هجا کانون رسایی و درجه رسایی صامت‌ها با فاصله آنها با آن متناسب می‌گردد.

پناه‌پور، در پژوهشی دیگر («بررسی واج‌آرایی زبان پهلوی»)، واج‌آرایی ۷۳۳۰ واژه پهلوی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که آنچه در این واج‌آرایی بیشتر جلب توجه می‌کند خوشه

1) Otto JESPERSEN

هرچه به سوی مرز پایانی هجا پیش رویم نیز رسایی کاهش می‌یابد.

۳. خوشه‌های سه‌صامتی پایانی-این خوشه‌ها در هجای پایانی ۱۱ واژه ظاهر شده‌اند که از آنها ۷ واژه به خوشه /ršt/ ختم شده است. خوشه سه‌صامتی در محل اتصال هجاهای اول و دوم قرار می‌گیرد به طوری که یک یا دو صامت خوشه به هجای اول و دو یا یک صامت خوشه به هجای دوم تعلق دارد. محل اتصال هجاها جایگاه دیگری است که عملکرد هجا را می‌توان در آن بررسی کرد و خوشه‌های سه‌صامتی از این حیث مناسب‌ترین است. خوشه /ršt/، که بیشترین بسامد را دارد، به ترتیب از بالاترین رسایی که متعلق به r است (مثال: aršt، «نیزه») شروع و به صامت گرفته /t/ ختم می‌شود. در خوشه‌های سه‌صامتی، زنشی /t/، با ۱۳۶ بار بسامد وقوع (جایگاه اول ۴۸، جایگاه دوم ۱۷، جایگاه سوم ۷۱ بار)، دارای بسامد نسبتاً بالایی است. صامت گرفته /t/، با ۸۰ بار بسامد وقوع، (جایگاه اول ۸، جایگاه دوم ۶۲، جایگاه سوم ۱۰ بار)، عکس موقعیت /t/ را دارد و هرچه به طرف مرز هجا پیش رویم به بسامد آن افزوده می‌شود.

در این بررسی، مواردی پیدا شده که فرضیه کاهش رسایی در آنها صادق نیست و نیز مواردی که صادق نبودن فرضیه در آنها قابل توجیه است. بدین‌سان، از هجاهای زبان پهلوی یک دسته مطابق با فرضیه، دسته‌ای دیگر، در عین عدم مطابقت، قابل توجیه‌اند. دسته آخر، که فرضیه مذکور در آنها صدق نمی‌کند، شامل موارد استثنایی با بسامد بسیار اندک است.

فاطمه جدلی

رضایتی، محرم، «بررسی مآخذ برخی از اشعار رساله قشیریّه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال سی و پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۵۴۳-۵۶۲. رساله قشیریّه یکی از ارزشمندترین متون عرفانی قرن پنجم هجری است. قشیری، در این کتاب، با استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی و سخنان و اقوال بزرگان عرفان به شرح و توضیح الفاظ و اصطلاحات و تبیین اصول و آموزه‌های عرفانی پرداخته است. مهم‌ترین موضوع این اثر پیوند میان شریعت و طریقت است. سبب تألیف رساله نیز، به اظهار مؤلف، تمییز صوفیان راستین از صوفی‌نمایان و شرح و توضیح تعالیم اصیل عرفانی و جلوگیری از بدعت و انحراف بوده است. رساله قشیریّه شامل یکصد و هشتاد بیت عربی است که نام‌گوينده بسیاری از آنها دانسته نیست. مقاله رضایتی کوششی است برای تعیین هویت سراینده‌گان و مآخذ این ابیات. قشیری، علاوه بر آثار عرفانی، از متون ادبی و تاریخی بسیاری بهره گرفته است. از جمله این منابع است: البیان و التبيين جاحظ، عقد الفريد ابن عبدربه، اغاني ابوالفرج اصفهانی، دمیة القصر و عصرة اهل العصر علی بن ابی‌طیب باخزری، یتیمه الدهر ثعالبی؛ البدایة و النهایة ابن کثیر؛ امثال و حکم رازی؛ و معجم الادباء یاقوت حموی.

نویسنده مقاله ۴۹ بیت از ابیات مندرج در رساله را بررسی و سراینده برخی از آنها را مشخص کرده است. در نقل و ضبط برخی از ابیات و همچنین شماری از آنها مسامحه و بی‌دقتی ملاحظه می‌شود.

م.ج.ش.

تعبیر نسیم و گیسو، تعبیر مترادف و نیمه‌مترادف غزلیات حافظ‌اند که در یک سو مفهوم باد و در دیگر سو مفهوم مو را بیان می‌کنند. زیپولی، در این بخش از مقاله، ضمن فهرست کردن جانشین‌های باد و مو و بسامد آنها در غزلیات حافظ، فهرستی از ترکیبات گوناگون این دو واژه و بسامد و شماره ابیات گزیده ارائه کرده است. نیز اشاره کرده است که، با بررسی تطبیقی همه نقش‌هایی که مفهوم نسیم و گیسو در ابیات به عهده دارند می‌توان به ویژگی‌های کاربردی ترکیب نسیم جمع‌گیسو در بافت کلی دست یافت و بدیع بودن آن را سنجید.

زیپولی ۴۵ بیت از غزلیات حافظ را که تعبیرهای نسیم و گیسو در آنها به کار رفته آورده، سپس، رده‌بندی نوع شناختی کارکردهای اصلی باد و موی را به دست داده است. هر یک از ابیات یادشده یا چند بیت از آنها ذیل یکی از این رده‌ها آمده است. بر این اساس، اصلی‌ترین و پرسامدترین کارکردهایی که باد و مو را به هم می‌پیوندد اینهاست: باد عطرِ معشوق را می‌پراکند؛ باد حدیثِ زلفِ معشوق می‌کند؛ باد با لمسِ زلفِ معشوق و گل را آشفته می‌سازد؛ باد با لمسِ زلفِ معشوق رشکِ عاشق را برمی‌انگیزد. ضمناً با توجه به این که جفتِ نسیم/گیسو تنها یک بار در دیوان حافظ به کار رفته است، می‌توان نتیجه گرفت که این ترکیب در بافت غزلیات حافظ استثنایی است. س.غ.

علیزاده، علی، «بازنگری در فرضیه فاعلِ درونِ گروه فعلی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال سی و چهارم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۱، ص ۸۳۹-۸۵۶.

زیپولی، ریکاردو، «پیوند نحوی بین باد و موی در غزلیات حافظ»، ترجمه احمد قائم‌مقامی، *نامه پارسی*، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۱، ص ۲۱-۳۲.

ریکاردو زیپولی، نویسنده مقاله، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ونیز ایتالیاست. وی، در این مقاله، ضمن تأکید بر لزوم تفسیر هر غزل در پیوند با دستگاه‌های نشانگانی که بافت منطقی و معنادار آن را تشکیل می‌دهند، به این دستگاه‌ها اشاره کرده است: ۱. نشانگان درونی شامل درون‌متنی؛ بینامتنی مجموعه غزلیاتی که غزل مورد مطالعه عضوی از آن است. ۲. نشانگان بیرونی شامل نشانگان درون‌متنی غزلیات شعرای دیگر؛ نشانگان فرامتنی که زمینه فکری شاعر و شعر مورد مطالعه را شکل می‌دهد. من باب مثال، برای دست‌یابی به دستگاه نشانگان بینامتنی غزل حافظ، با مطلع مدامم مست می‌دارد نسیم جمع گیسویت- خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت، می‌توان آن را با واحدهای یکسان یا مشابه در غزل‌های دیگر او سنجید. این غزل واجد هفده ترکیب نحوی به این شرح است: نسیم جمع‌گیسو، فریب چشم جادو، جمع‌گیسو، فریب چشم، چشم جادو، شمع دیده، محراب ابرو، نقش خال هندو، نقش خال، خال هندو، برقع از روی، جان ز... موی، افسون چشم مست، بوی گیسو، افسون چشم، چشم مست، در چشم... خاک سر کوی. هر یک از این ترکیب‌ها، ترکیبات استعاری مشابه، با همان پیوند معنایی اما بدون حفظ اجزای اصلی، در غزل‌های حافظ دارند که می‌توان آنها را با یکدیگر سنجید و به قدرت انسجام ترکیب مورد نظر دست یافت. از جمله در ترکیب نسیم جمع‌گیسو جانشین‌های دو

یکی از فرضیه‌های جدید نظریه حاکمیت (مطابقت) و مرجع‌گزینی<sup>۱</sup> فرضیه فاعل درون گروه فعلی است. اسپورتیش<sup>۲</sup> و کوپ‌من<sup>۳</sup>، برخلاف تحلیل متعارف در نظریه X bar، برای فاعل جایگاهی در درون گروه فعلی قایل‌اند و بر این باورند که جایگاه گروه تصریفی برای فاعل جایگاهی مشتق از حرکت گروه اسمی و ارتقای فاعل به آن موضع است.

نگارنده مقاله، این فرضیه را - به رغم تطبیق آن با زبان‌های فرانسه و انگلیسی - در زبان فارسی صادق نمی‌داند و بر آن است که در فارسی فاعل، در پی اعمال قاعده گشتاری حرکت گروه اسمی، از جایگاه گروه تصریفی به جایگاه گروه متمم‌ساز منتقل شده است و می‌توان آن را یک فرایند ساده مبتداساز به شمار آورد و نمی‌توان جایگاه روساختی فاعل را جایگاهی صرفاً حاصل از ارتقای فاعل به جایگاه متمم‌ساز دانست.

علیزاده، با بررسی جایگاه متغیر وابسته‌های کمی (سورهای شناور) در ساخت چند جمله انگلیسی، فرضیه فاعل درون گروه فعلی را توصیف و آراء ردفور<sup>۴</sup>، کوپ‌من، اسپورتیش و کی‌تاگوا<sup>۵</sup> را مطرح می‌کند. فرضیه فاعل درون گروه فعلی برای بسیاری از زبان‌شناسان انگیزه‌ای شد در توصیف و نقد و بررسی آن در دیگر زبان‌ها. مؤلف مقاله، با بررسی شواهدی از زبان فارسی و نمایش اصل فاعل در درون گروه فعلی در این زبان، مشکلاتی را که در تطبیق این نظریه پیش می‌آید شرح می‌دهد و هدف از تألیف مقاله را اثبات این نکته ذکر می‌کند که در فرضیه فاعل درون گروه فعلی، در واقع عنصر فاعلی از درون گروه اسمی جابه‌جا شده است. وی، در تأیید پیشنهاد دبیرمقدم

(۱۳۶۹)، فرایند رخ داده در جمله‌ای نظیر جمله ب را فرایند مبتداساز می‌داند:  
الف) همه دانشجویان زبان‌شناسی به تحصیل علاقه دارند.  
ب) دانشجویان زبان‌شناسی تمامشان به تحصیل علاقه دارند.

یعنی در پی فرایند مبتداسازی، که فرایندی نحوی-کلامی است، گروه اضافی در جایگاه فاعل (دانشجویان زبان‌شناسی) به جایگاه گروه متمم‌ساز منتقل می‌شود که حرکتی غیرموضوعی است. از این رو، ظهور ضمیر هم‌مرجع با عنصر مبتداساز نقطه مقابل نظریه وجود فاعل درون گروه فعلی و حرکت فاعل از جایگاه گروه فعلی به گروه تصریفی است و آنچه اسپورتیش از زبان انگلیسی و فرانسه حرکت گروه اسمی فاعلی در توجیه وجود فاعل در درون گروه فعلی ارائه کرده است در زبان فارسی تنها یک فرایند ساده مبتداساز است.

ث. پ.

عمار جیدل، «تأثیر مثنوی مولوی بر مثنوی عربی نوری»، ترجمه احمد موسی، نامه پارسی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۱، ص ۹۳-۱۱۰.

اندیشه‌های عرفانی مولوی و آموزه‌های دینی-اخلاقی مثنوی معنوی قرن‌هاست که بر عرفان و ادب و اخلاق جهان اسلام تأثیر گذاشته است. بدیع‌الزمان نوری، ادیب و دانشمند معاصر،

1) government and binding

2) D. Sportiche

3) H. Koopman

4) Andrew Radford

5) Y. Kitagawa

در هر دو مثنوی بررسی شده است. هرچند جنبه‌های اجتماعی مثنوی معنوی را نمی‌توان نادیده گرفت، توجه به مثنوی منحصرأ از این دیدگاه نوعی تقلیل‌گرایی به نظر می‌رسد که بر این مقاله حاکم است.

م.ج.ش.

فائزه زهرا میرزا، «وزن شعر حافظ شیرازی»، *د/نشر (فصلنامه مرکز تحقیقات ایران و پاکستان)*، ش ۶۴-۶۵، بهار و تابستان ۱۳۸۰ (تاریخ انتشار: مهر ۱۳۸۱)، ص ۱۴۷-۱۵۰.

فائزه زهرا میرزا، استادیار زبان فارسی دانشکده دولتی دختران مارگله اسلام‌آباد، در این مقاله آماری از قالب‌ها و اوزان و بحور اشعار حافظ ارائه کرده است. به بیان او، حافظ در ده قالب - شامل غزل، قصیده، قطعه، فرد، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مسدس، مخمس، رباعی، ساقی‌نامه - شعر سروده که در آنها ۲۳ وزن از اوزان مختلف را در هشت بحر عروضی به کار گرفته است.

نگارنده مقاله، ابتدا تمام ۲۳ وزن را با ذکر شاهد و تعیین اسامی آنها آورده و تعداد اشعاری را که حافظ در هر یک از اوزان سروده، به تفکیک قالب، مشخص کرده و، سپس، شمار هرکدام از اوزان شعر حافظ را در هشت بحر عروضی مختلف تعیین کرده است.

فائزه زهرا میرزا، که کتاب *المعجم فی معایر اشعار العجم شمس‌الدین محمد بن قیس رازی* را اساس کار خود قرار داده، پس از به دست دادن این آمار، نتیجه‌گیری کرده که حافظ بیشتر از همه بحور در بحر رمل (۲۲۷ غزل، ۹ قطعه، ۱ قصیده، ۱۰ فرد،

نیز از جمله کسانی است که متأثر از اندیشه‌ها و افکار بلند مولوی‌اند. وی، در سال ۱۲۹۳ق، در خانواده‌ای گرد دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۷۹ق در آورسه، واقع در جنوب ترکیه، درگذشت. آثار و نوشته‌های او به زبان ترکی و عربی است. از آن جمله است مثنوی عربی، اشارات الاعجاز فی مظان الایجاز، تعلیقات فی المنطق، و الخطبة الشامیه به عربی؛ و کلمات، مکتوبات، شعاعات، ملاحق، صیقل اسلام به ترکی.

در مقاله «تأثیر مثنوی مولوی بر مثنوی عربی نوری»، نویسنده نخست به اختصار از شرایط زندگی مولوی و نوری سخن به میان آورده، سپس، به تطبیق اندیشه‌های دینی-کلامی آنان پرداخته است. به گفته وی، دو مثنوی مولوی و نوری در شرایطی همانند پدید آمدند. آنان، در خدمت به حقایق قرآنی و به پیروی از کلام‌الله مجید در سبک و مضمون، به نظم روی آوردند. نوری جلد ششم رسائل نور خود را مثنوی عربی عنوان داده است که خودگواه علاقه و توجه وی به مثنوی معنوی است. از جمله دلایل این تسمیه است: جایگاه و اهمیت مثنوی معنوی، مقاصد مشترک هر دو مثنوی در کوشش برای تثبیت ایمان در دل‌ها و احیای آن در جامعه، این که مثنوی عربی در اصل ادامه مثنوی معنوی و به تعبیری نسخه عربی آن است.

عمار جیدل تأثیر مثنوی معنوی بر مثنوی عربی را از دو جهت بررسی کرده است: سبکی و عاطفی. وی به تأثیر اندیشه‌های عرفانی و دینی مولوی بر نوری اشاره کرده و بر آن است که این تأثیر در همه رسائل نور او مشهود است. مسائل توحید، نبوت، جبر و اختیار و دیگر مسائل اساسی دینی



۱ مسدس) و کمتر از همه در بحر متقارب و بحر منسرح شعر سروده است.

آ.ا.

مرتضایی، سیدجواد، «تکرار قافیه در شعر حافظ»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره اول و دوم، سال سی و پنجم، شماره مسلسل ۱۳۶-۱۳۷، بهار و تابستان ۱۳۸۱ (تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۸۱)، ص ۵۳-۷۴.

تکرار قافیه که از ویژگی‌های سبک هندی است، پیش از رواج این سبک، از معایب شعر به‌شمار می‌رفت و به‌ندرت در اشعار شعرا به چشم می‌خورد- که آن‌هم یا به دلیل تنگنای قافیه در قصیده‌های بلند بود یا با کاربرد صنعت بدیعی «رد قافیه». اما تغییر زاویه دید نسبت به نقش هنری قافیه، یعنی توجه به آن به‌عنوان ابزار تداعی بیش از در نظر گرفتن جنبه موسیقائی‌اش، موجب شد که شاعران سبک هندی تکرار قافیه را، حتی بدون یک یا دو بیت فاصله، جایز بشمارند. جالب این‌که حافظ نیز از تکرار قافیه پرهیز نمی‌کرده و به نظر می‌رسد که تلقی او هم نسبت به نقش هنری قافیه با تلقی شاعران سلف متفاوت بوده است.

نگارنده مقاله بسامد تکرار قافیه در غزل‌های حافظ را قابل ملاحظه ذکر کرده است، زیرا از میان ۲۰۰ غزلی که بررسی کرده در ۷۳ مورد (حدود یک‌سوم) تکرار قافیه مشاهده شده است؛ تازه بدون در نظر گرفتن مواردی از نوع «ایطاء خفی یا جلی» و «شایگان» که در اشعار حافظ فراوان به چشم می‌خورد. وی بر آن است که تکرار قافیه در

غزل‌های حافظ به دلیل تنگنای قافیه نیست؛ چنان‌که در غزل‌های کوتاه (حدود ۵-۸ بیت) نیز می‌توان آن را سراغ گرفت. به بیان او، «تصویرسازی و مضمون‌پردازی و ظریف‌کاری‌های هنری با تمام کلمات بیت، حتی قافیه، مد نظر حافظ است. حال اگر او بتواند، با تکرار یک واژه به‌عنوان قافیه، تصویری متفاوت، مضمونی دیگر (هرچند جزئی) و هنرنمایی و صنعت‌پردازی داشته باشد، از این تکرار ابایی ندارد».

مؤلف مقاله دلایل تکرار قافیه در ۷۳ غزل مذکور را به چند دسته تقسیم کرده و، با ذکر شواهد، به بررسی آنها پرداخته است. این دلایل به اختصار عبارت‌اند از:

- تفاوت معنایی یا تصویرسازی و صنعت‌پردازی (۲۴ غزل)؛

- تأکید بر کلمه قافیه ضمن ایجاد آرایه بدیعی «رَدُّ الْعَجْزِ عَلَی الصِّدْرِ» و یا یکی از انواع ردها (۹ غزل)؛

- تفاوت صرفی یا نحوی (۸ غزل)؛

- رابطه عمودی عناصر خیال و معنا در دوبیتی که قافیه مشابه دارند، با در نظر گرفتن احتمال جابه‌جایی ابیات (۱۰ غزل)؛

- ضبط صورت پیش از اصلاح بیتی که قافیه تکراری داشته است (۴ غزل).

به حدس نویسنده، حافظ اشعار خود را بارها حک و اصلاح کرده و چه‌بسا خود او، در این تجدید نظر، تکرار قافیه را رفع کرده و این تغییرات در بعضی از نسخه‌ها ضبط نشده است. در نتیجه، تکرار قافیه در این موارد تنها منحصر به آن نسخه‌هاست.

- ضبط بیتی که شاعر آن را به دلیلی تغییر داده

هجاها بوده و، پس از آشنایی با شعر عربی، کمیّت هجاها در وزن شعر دخیل شده است. در حالی که، به نظر ایشان، «اگر خصوصیتی در خود زبان نباشد تقریباً محال است که بتوان آن را به کوشش وارد وزن شعر کرد».

در این مقاله به فرق دستگاه مصوّت‌ها در زبان عربی و زبان فارسی اشاره و توضیح داده شده است که عامل تمایز در هر جفت مصوّت عربی امتداد است و در هر جفت مصوّت فارسی، علاوه بر امتداد، مخرج صوت آنها.

استاد نجفی، در تأیید نظر دکتر علی‌اشرف صادقی در کتاب تکوین زبان فارسی، توضیح داده است که به احتمال زیاد، در قرون نخستین هجری و آغاز فارسی دری، هر جفت مصوّت کوتاه و بلند، مانند زبان عربی، مخرج یکسان داشته‌اند؛ اما، در قرون اخیر، مخرج صوت این دو نوع مصوّت از هم متمایز شده و در نتیجه امتداد مصوّت‌ها اعتبار خود را از دست داده است. به این ترتیب، هرچند کمیّت هجاها امروز در زبان فارسی چندان مطرح نیست، وزن شعر فارسی هنوز هم، به شیوه سنّتی، مبتنی بر کمیّت هجاهاست. بنابراین، «وزنِ کمیّ شعر دیگر طبیعی زبان فارسی نیست» و ادراک وزن، به‌خصوص برای نسل‌های جوان‌تر، دشوار شده است و به یادگیری خصوصیت کمیّ هجاها و تمرین متمادی نیاز دارد. گرایش به شعر فاقد وزن عروضی را، علاوه بر عوامل متعدّد اجتماعی، می‌توان ناشی از همین دشواری احساس وزن دانست.

(۱) این مقاله ابتدا در نخستین کنگره ایران‌شناسی (۲۷-۳۰ خرداد ۱۳۸۱)، که به همت بنیاد ایران‌شناسی در تهران برگزار شد، ارائه گردید.

به هر دو صورت قبل و بعد از تغییر (۹ غزل)؛  
- اشتراک مضمون بین دو مصراعی که قافیۀ مشترک دارند (۴ غزل)؛

در پایان مقاله، اشاره شده که در ۵ غزل از ۷۳ غزل مذکور تکرار قافیه با هیچ‌یک از این دلایل توجیه‌پذیر نیست و دلیل خاصی برای این تکرار به نظر نمی‌رسد جز همان تفاوت زاویۀ دید حافظ نسبت به قافیه در مقایسه با شاعران پیش از او.

نجفی، ابوالحسن، «تغییر کمیّت مصوّت‌های فارسی و تحوّل وزن شعر در دوران معاصر»<sup>۱</sup>، نشر دانش، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۱، ص ۷-۹.

استاد نجفی، در ابتدای مقاله، به تحوّل مداوم زبان در اثر عوامل برون‌زبانی و درون‌زبانی اشاره کرده و تحوّل وزن شعر فارسی را نیز ناشی از همین دو عامل دانسته است. به نظر او، عامل اصلی تحوّل وزن شعر فارسی درون‌زبانی است و «در وزن شعر هیچ نیست که نخست در زبان نبوده باشد».

وی کمیّت هجاها را در وزن شعر فارسی ذی‌نقش دانسته بدین معنی که، علاوه بر تساوی شمار هجاهای کوتاه و بلند در دو مصرع یک بیت - و حتّی در تمام مصرع‌های یک قطعه شعر - باید هجای کوتاه با هجای کوتاه و هجای بلند با هجای بلند تناظر داشته باشد تا وزن شعر احساس شود و این قاعده‌ای است که از آغاز شعر فارسی تا کنون بر وزن سنّتی حاکم بوده است.

استاد نجفی صحت نظریۀ هجایی بودن شعر ایران پیش از اسلام را بعید می‌داند. بر اساس این نظریه، وزن شعر فقط مبتنی بر تساوی شمار

استاد، در پایان مقاله، از نیما یوشیج، به‌عنوان پیشرو شعر نو فارسی، یاد کرده است و این که وی به ادامه وزن سنتی و حفظ کمیت هجایی معتقد بود و، برای ابداع وزن‌های جدید، در عین حفظ کمیت هجایی، نیز تلاش‌هایی کرد که تقریباً بی‌ثمر ماند.

آ.ا.

یاحقی، محمدجعفر، «قلمرو فرهنگ و زبان‌های ایرانی در سمپوزیم دانمارک»، کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، سال پنجم، شماره ۱۲، مهر ۱۳۸۱، صص ۱۰۴-۱۰۷.

نویسنده مقاله، که خود در سمپوزیم شرکت داشت، در گزارش خود به گستردگی حوزه فرهنگ و زبان‌های ایرانی توجه کرده است. مقدمه کوتاه و خواندنی سرآغاز گزارش درباره این‌گونه رویدادها و مجامع علمی در خارج از ایران خواننده را با حال‌وهوای کیفیت برگزاری آنها آشنا می‌سازد.

در روزهای ۱۸-۲۲ ماه مه ۲۰۰۲ / ۲۸ اردیبهشت - اول خرداد ۱۳۸۱، به یاد زنده‌یاد دکتر احمد تفضلی، مجمعی علمی با عنوان «متن‌های دینی در زبان‌های ایرانی» در کپنهاگ (دانمارک) برپا بود. میزبان این مجمع دانشگاه کپنهاگ و محل برگزاری جلسات آکادمی سلطنتی دانمارک بود. پروفیسور آنتونیو پانائینو (A. PANAINO)، رئیس انجمن اروپایی مطالعات ایرانی ایتالیا، نیز از بانیان آن بود. سابقه تحقیقات ایران‌شناسی در دانمارک به دوره حیات آرتور کریستن سن (۱۸۷۵-۱۹۴۵)، شرق‌شناس دانمارکی، بازمی‌گردد و انستیتو مطالعات شرق‌شناسی دانشگاه کپنهاگ از مراکز

فعال در این حوزه است.

دبیر این مجمع پروفیسور فریدون وهمن بود و در جلسات آن مجموعاً سی سخنرانی علمی ایراد شد. بیشتر مقالات ارائه‌شده به حوزه پیش از اسلام اختصاص داشت. انگلیسی زبان اصلی مجمع بود و فارسی، پس از آن، زبان مشترک و به قولی زبان دل بود. سخنرانان مدعو از امریکا، آلمان، انگلستان، نروژ، ایتالیا، ارمنستان، فرانسه، سوئیس حضور داشتند. هفت محقق ایرانی نیز در این مجمع سخنرانی ایراد کردند که از آن میان دکتر نصرالله پورجوادی یگانه کسی بود که از ایران آمده بود. وی درباره «قطعات دینی فارسی در منابع متقدم عربی» سخن گفت. از جمله سخنرانی‌های ایرادشده در این مجمع است: «کمدی الهی یزیدیان: شخصیت‌های آیین یزیدی» (گارنیک آساطوریان)؛ «ملاک ایرانی متون و نوشته‌های مقدس» (شائول شاکد S. Shaked)؛ «آیا دیوان حافظ متنی دینی است؟» (فین تیسن Finn Thiesen)؛ «درباره تطور و گسترش تفسیرهای کهن فارسی» (محمدامین ریاحی). از برنامه‌های جنبی این مجمع بازدید شرکت‌کنندگان از گنجینه‌های هنرهای اسلامی در مجموعه شخصی دیوید سملینی (David Samliny) بود.

یاحقی گزارش خود را با این پرسش به پایان می‌برد که، به رغم همه دعای درباره جهانی‌شدن (globalism)، آیا برای فرهنگ‌های قدیم، نظیر فرهنگ ایرانی، که قلمرو گسترده‌ای دارند می‌توان خصلت منطقه‌ای (global-localism/glocalism) را عنوان کرد.

ث.پ.

